

پیام حمید تقوائی به خانواده های قربانیان شلیک به هواپیمای اوکراینی

صفحه ۲



سیامک بهاری

بلای سیل در بلوچستان، بلای جمهوری اسلامی است!

صفحه ۳



حسن صالحی

سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی: "خطای انسانی" یا قتل فجیع و عامدانه؟

صفحه ۴

شهاب بهرامی

کنفرانس داووس!

صفحه ۷

نگاهی به نماز جمعه خامنه ای

متن میزگرد تلویزیون کانال جدید با اصغر کریمی و کیان آذر

صفحه ۸

در باره اوضاع سیاسی عراق و وقایع پس از قتل قاسم سلیمانی

گفتگوی بسوی سوسیالیسم با سمیر نوری

صفحه ۱۳

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۵۲

جمعه ۴ بهمن ۱۳۹۸، ۲۴ ژانویه ۲۰۲۰

خامنه ای و سران سپاه بجرم قتل ۱۷۶ مسافر هواپیما باید در یک دادگاه بین المللی محاکمه شوند

شوند و مورد بازجویی قرار گیرند تا انگیزه ها و دلایل این جنایت، کلیه افرادی که در این جنایت نقش داشته اند و میزان جرم و محکومیت هر کدام از آنها روشن شود. از نظر سیاسی نیز رابطه دولتها با جمهوری اسلامی باید قطع بشود. جمهوری اسلامی نماینده مرم ایران نیست، قاتل آنهاست. باید روابط دیپلماتیک با جانیان حاکم بر ایران قطع شود و سفارتخانه هایش بسته شود. برخی دول غربی از جمله دولت کانادا که نسبت به ادامه در صفحه ۲

مقامات جمهوری اسلامی بعد از سه روز لاپوشانی و دروغ درمورد جنایتی که مرتکب شدند، رسماً اقرار کردند که هواپیما با موشک سپاه سقوط کرده است. با توجه به شواهد متعدد تردیدی در این نیست که این جنایت عامدانه صورت گرفته است. اما حتی اگر عامدانه بودن آن و نقش مستقیم خامنه ای در تایید و فرمان آترا هم نادیده بگیریم، خامنه ای بعنوان فرمانده کل قوا و فرماندهان رده بالای سپاه که پشت این جنایت بوده اند باید در یک دادگاه حاضر

قاتلان مردم ایران، سوریه، عراق و ...



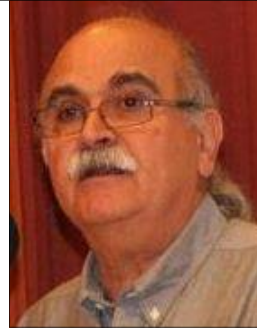
جمهوری اسلامی باید سرنگون شود!

DOWN WITH THE MURDEROUS REGIME OF IRAN!



اطلاعیه ها در صفحه ۱۳ و ۱۴

پیام حمید تقوائی به خانواده های قربانیان شلیک به هوایمای اوکراینی



همه چیز نشان میدهد که عزیزان شما قربانیان یک جنایت و قتل عمد دولتی هستند. سران حکومت بعد از سقوط هوایما سه روز تمام حقیقت را کتمان کردند و به مردم دروغ گفتند، و بعد از اینکه با روشن شدن مدارک غیر قابل انکار مجبور شدند اعتراف کنند که خودشان به هوایما شلیک کرده اند دروغهای تازه ای تحویل دادند. گفتند خطای فقط یک فرد بوده است، گفتند هوایما را با موشک کروز اشتباه گرفته بوده اند، گفتند هوایما از مسیرش بطرف پایگاه سپاه منحرف شده بوده است و غیره و غیره. دروغها و توجیهاتی که چنان پوچ بود که حتی خودشان دو روز بعد ناگزیر شدند اعلام کنند اینطور نبوده است. گفتند این نمیتواند خطای یک فرد باشد و اصلا شلیک سهوی به هوایما قابل تصور نیست. اما گذشته از این دروغها و ضد و نقیض گوئی ها که تا امروز ادامه دارد، شواهد متعدد دیگری بر عمدی بودن این جنایت گواهی میدهد:

هوایمای جنگی بخاطر کدهای استاندارد که همه هوایماهای مسافری مخابره میکنند، شلیک دو موشک به هوایما به فاصله ۳۰ ثانیه که حتی اگر شلیک اول را در اثر اشتباه بدانیم دیگر دومی نمیتوانسته سهوی باشد، و بالاخره اعترافات خود مقامات، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس میگوید شلیک اشتباهی ممکن نیست و این ماجرا باید پشت پرده ای داشته باشد و اظهارات روحانی که میگوید چنین اشتباهی در مخیله نمی گنجد.

اینها همه نشان میدهد شلیک به هوایما امری عمدی، با نقشه قبلی و بدستور بالاترین مقامات حکومتی بوده است. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی از این جنایت هولناکی که مرتکب شده جان سالم به در ببرد. این جنایتکاران حتی اجازه نمیدهند برای عزیزانمان مجلس یادبود بگیریم. اما بهترین گرامیداشت یاد این عزیزان به محاکمه کشیدن جانین حاکم است.

من همه شما خانواده ها و وابستگان و نزدیکان قربانیان این جنایت تکانهنده را فرامیخوانم که علیه جمهوری

اسلامی اعلام جرم کنید. باید از مراجع و دادگاههای بین المللی نظیر دادگاه بین المللی لاهه خواست که سران و مسئولین جمهوری اسلامی را که مستقیم یا غیرمستقیم در این جنایت دست داشته اند تحت تعقیب و محاکمه قرار بدهند. باید از همه دولتها و نهادهای بین المللی خواست که روابط دیپلماتیک خود را با حکومت جنایت و وقاحت جمهوری اسلامی قطع کنند. باید افکار عمومی جهان را از حقایق مربوط به این جنایت آگاه کرد و در این زمینه نیز شما وابستگان این عزیزان میتوانید نقش مهمی ایفا کنید. مردم دنیا با ما و در کنار ما هستند. شهروندان پنج کشور دیگر نیز در این فاجعه جانباخته اند و از این نقطه نظر هم این مساله مورد توجه مردم دنیا است. میتوانیم ابعاد این جنایت را در برابر چشم جهانیان قرار بدهیم و سران جمهوری اسلامی را، در آخرین حلقه از جنایات چهل سله شان، پای میز محاکمه بکشیم. این بهترین راه بزرگداشت یاد ۱۷۶ نفر قربانیان این فاجعه است.

**گرامی باد یاد عزیزان
جانباخته در فاجعه سقوط
هوایمای مسافربری**

**گرامی باد یاد همه
قربانیان جنایات
جمهوری اسلامی**

۳ بهمن ۱۳۹۸،
۲۳ ژانویه ۲۰۲۰

**گرامی باد یاد عزیزان جانباخته
در فاجعه سقوط هوایمای مسافربری !
گرامی باد یاد همه قربانیان جنایات جمهوری**

از صفحه ۱

خامنه ای و سران سپاه بجرم قتل ۱۷۶ مسافر هوایما باید در یک دادگاه بین المللی محاکمه شوند

سایر دولتها موضع شفاف تری دارد درخواستشان تحویل جمهوری اسلامی. این ما جعبه سیاه و اعزام تیمی به مردم و خانواده های ایران برای بررسی این فاجعه است. این اقدامات باید عملی خواست حق طلبانه خود شود اما مطلقا پاسخ مساله پافشاری کنیم.

نیست. یک جنایت بزرگ اولین شرط اجرای عدالت صورت گرفته و قاتلین آن برگزاری دادگاهی بین المللی صریحا به آن اعتراف کرده اند و تا همینجا ضرورت برگزاری یک دادگاه برای بررسی است. حزب کمونیست جوانب مختلف آن کاملا کارگری بر این خواست روشن است. راننده ای که عادلانه تاکید میکند و برای عامدانه و یا بر اثر یک اشتباه مرتکب یک تصادف مرگبار میشود، به عنوان اولین اقدام به دادگاه احضار میشود که مورد بازجویی قرار گیرد تا بر اساس بازجویی و شواهد و مدارک دیگر میزان جرم او تعیین گردد. شلیک به یک هوایمای مسافربری و کشتار ۱۷۶ مسافر آن اتفاقی به مراتب عظیم تر از یک تصادف رانندگی است. آیا بر اساس حتی عقب مانده ترین استانداردهای قضایی در جهان روشن نیست که چنین دادگاهی شرط اول اجرای عدالت در حق قربانیان این فاجعه است؟

دول غربی مایل نیستند این موضوع را تا انتها پیگیری کنند. چرا که پیگیری این مساله به ضرورت قطع رابطه سیاسی با جمهوری اسلامی و تحریم سیاسی آن منجر میشود و سیاست دول غربی این نیست. به همین دلیل جنایت مشخص فراموش شود.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۳ بهمن ۱۳۹۸،

۲۳ ژانویه ۲۰۲۰

درخواست ها که روی همان هم مصر نیستند، حتی حاضر به محکوم کردن صریح جمهوری اسلامی نشده اند چه برسد به طرح تشکیل

سیامک بهاری بلای سیل در بلوچستان، بلای جمهوری اسلامی است!



از شامگاه ۱۹ دی ماه بارش شدید باران در جنوب شرق ایران سه استان سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان را گرفتار کرد و در بخش‌های مختلف بلوچستان سبب جاری شدن سیل و تخریب خانه‌ها و نابودی زندگی مردم شد. همه آنچه که طی این همه سال در اثر بی‌مبالاتی عاقدانه جمهوری اسلامی در این مناطق محروم ساخته نشده بود تا از این حوادث پیشگیری کند، بر سر مردم نازل شد!

حجم سیلاب در بلوچستان، سه و نیم برابر سیلاب استان گلستان در سال قبل بوده است که ساکنان ۱۵ شهرستان و بیش از ۹۰۰ روستا را گرفتار مصیبتی غیرقابل وصف کرده است. سیصد هزار نفر آواره شده‌اند. بیش از سی هزار واحد مسکونی خسارت جدی وارد شده است. هزاران واحد مسکونی بکلی تخریب و نابود شده است!

با فرونشست سیل در مناطقی از بلوچستان، هرمزگان و کرمان همانگونه که انتظار می‌رفت، ابعاد غیرقابل باوری از ویرانی و خسارت روی دست مردم مصیبت زده این منطق مانده است. بخش اعظم مردم

استان سیستان و بلوچستان پیش از آنکه در سیل غرق شوند، در فقر و فلاکت تحمیلی حکومت اسلامی غرق شده بودند! از در و دیوار شهرهای بزرگ تا روستاها و کپرنشین‌های بی نام و نشان آن مصیبت و درد می‌بارید! گرسنگی آشکار و سوءتغذیه و بیماری، محرومیت از ابتدایی‌ترین امکانات زیستی و رفاهی مردم این منطقه را در خود مجاله کرده بود! سرکوب و حشیمان و خشن دستگاه‌های امنیتی زندگی را به جهنمی واقعی بدل کرده بود! داغ محرومیت تحمیلی حکومت اسلامی بر پیشانی مردم سیستان و بلوچستان مهر شده بود! هر آنچه زیرساخت شهری و ایمنی در مقابل حوادث خوانده می‌شد در این استان هرگز، نه تدارک دیده شده بود و نه قرار بود ساخته شود! بی آبی نه رونقی برای کشاورزی و دامداری گذاشته بود و نه رمقی برای ساکنین محروم‌اش.

سدهای "پیشین" در منطقه سرباز و "زیردان" در چابهار که بزرگترین خسارات سیل از سرریز آنها ناشی شد، پیش از بارش‌های اخیر هست و نیست زندگی مردم این مناطق را خشک کرده بود! زمین‌های کشاورزی، چشمه‌ها و چاه‌ها و قنات‌ها خشک شده بودند. آب در بیش از ۴۰۰ روستای شهرستان چابهار جیره بندی شده بود و به هر نفر در طول شبانه روز در بهترین حالت، فقط ۱۰ تا ۱۵ لیتر آب، آنهم بوسیله تانکر آبرسانی سیار تحویل می‌شد.

بارندگی‌های شدید اخیر در منطقه بلوچستان، در نبود زیرساخت‌های مستحکم و مناسب، هر آنچه بر سرراهش بود را با خود برد! زمین‌های کشاورزی و دامداری و کپرهای

و خانه‌ها خشتی و گلی را بلعید و نابود کرد. بخش اعظم راه‌های ارتباطی که در مسیل‌ها قرار داشت و بارها در سیل‌های ویرانگر سالهای پیش دستیابی به بخش‌ها و روستاها را غیر ممکن کرده بود، این بار هم همان بلا را بر سر ساکنین محروم آن آورد! دو سد "پیشین" و "زیردان" سالهای سال بدون تخلیه دریاچه‌ها، لایروبی و رسوب‌گیری بی‌آنکه منفعتی برای ساکنین اطراف سد داشته باشد سر ریز کرد. بیش از ۹۰ درصد وسعت بلوچستان در سیلاب و گل و لای و لجن غرق شد! وسعتی در حدود ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع درگیر بحران انسانی و سیل با ۱۵۴۲ روستای آسیب دیده و صعب العبور بعضاً غیر قابل دسترس به جا مانده است.

در حالیکه استان بلوچستان و بخش‌هایی از هرمزگان و کرمان در سیلاب فرو رفته بودند، مسئول سازمان مدیریت بحران کشور بی‌شرمانه اعلام کرد سیل در بلوچستان هنوز در سطح ملی نیست!

تنها وسیله کمک رسانی هلال احمر دو هلیکوپتر بود و در همه روزهایی که سیل هست و نیست مردم را در خود غرق می‌کرد در مجموع فقط ۱۹۰ بار پرواز کرده بود! بخش اعظم کمک‌ها مانند همیشه از سوی مردم انجام شد!

همه این مصیبت دردناک را حکومت در زیر خبرهای جنازه گردانی سلیمانی تروریست و سناریو سازی برای مخفی کردن جنایت عاقدانه حمله موشکی به هواپیمای اوکراینی پنهان می‌کرد. حال با فرونشست سیل، بیش از ۲۰۰ هزار نفر سیل‌زده، کماکان نیازمند ابتدایی‌ترین امداد رسانی‌های

اولیه هستند. خسارات ناشی از سیل در ابعاد حیرت‌آوری بالاست.

هزاران خانوار در سرمای زمستان بدون هیچ امکاناتی بی‌خانمان شده‌اند. حتی دسترسی به آب آشامیدنی برای بخش اعظم مناطق آسیب دیده، کماکان میسر نیست. آب‌انبارها بکلی نابود شده است. سرما و یخبندان در شب‌ها، وضعیت را از آنچه هست مصیبت‌بارتر کرده است. هزاران کودک به شیرخشک و دارو درمان فوری نیازمندند. شیوع انواع بیماری‌های گوارشی، پوستی و عفونی و مار و عقرب‌گزیدگی مردم منطقه و بویژه کودکان را بصورت جدی تهدید می‌کند. مردم سیل‌زده با قطع برق و گاز و نبود مواد سوختی طی چندین روز، کماکان گرسنه و در سرمای شبها در تاریکی مطلق به سر می‌برند.

۱۵ شهرستان و ۱۵۰۰



روستا خسارت جدی دیده و برخی روستاها بکلی غیر قابل سکنی شده است. راه ارتباطی بیش از ۳۰ روستا در شهرستان‌های چابهار، سرباز، عورکی، تلنگ، کاجو، توتان، کنارک، پیرسهراب، سفیدکوه، گرگان، نیکشهر، قصرقند، فنوج و محمدان، هنوز بکلی قطع است و معلوم نیست چه بلایی بر سر ساکنان آن آمده است. در اثر آبگرفتگی زمین‌های کشاورزی از هم باز شده و شکاف‌های عمیق برداشته و از بین رفته است. دامداری در برخی مناطق بکلی نابود شده است.

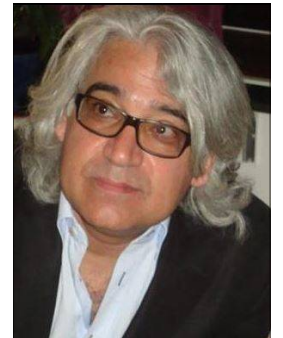
گفته می‌شود ۵۶ مدرسه که شامل ۲۰۰ کلاس درس می‌شود و در وقت خودش در لیست تخریب و به اصطلاح شده‌اند و قابل استفاده نیستند. ۳۰۰ مدرسه آسیب جدی دیده و تعطیل شده‌اند.

صفحه ۶





حسن صالحی سرنگون کردن هوایمای مسافربری اوکراینی: "خطای انسانی" یا قتل فجیع و عامدانه؟



سحرگاه چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ برابر با ۸ ژانویه ۲۰۲۰ بر اثر اصابت دو موشک پدافند هوایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، هوایمای مسافربری پرواز ۷۵۲ شرکت هوایمایی اوکراین سرنگون شد. در جریان این رویداد ناگوار و تلخ تمامی ۱۷۶ نفر مسافر و خدمه این هوایمای جان باختند. حکومت اسلامی پس از سه روز دروغپردازی و انکار وقیحانه واقعیت، مسئولیت سقوط این هوایمای را بر عهده گرفت ولی اعلام کرد که دلیل بروز این حادثه "خطای انسانی" بوده است. بدنبال روشن شدن نقش سپاه در سرنگونی این هوایمای و کشتار مسافری و خدمه آنها موجی از اعتراض شهرهای ایران را فرا گرفت که دانشجویان نقش مهمی در آن ایفا کردند. خشم و اعتراض مردم متوجه رژیم بود که با دروغگویی شرم آور می خواست نقش خود در این فاجعه را منکر شود. عمر دروغ های اولیه جمهوری اسلامی در باره سقوط

هوایمای اوکراینی تنها سه روز بود. از آنجایی که مسافری و خدمه این هوایمای تابعیت کشورهای مختلف را داشتند از همین رو بازتاب جهانی این فاجعه وسیع و گسترده و نقش دولتهای دیگر در بر ملا شدن دروغ های اولیه جمهوری اسلامی کارساز بود. اما مسئله فقط به اینجا ختم نمی شود. شواهد متعددی وجود دارد که نشان می دهد عنوان "خطای انسانی" برای قتل فجیع و

چندانی بر آشکار شدن نقش عامدانه جمهوری اسلامی در خلق این جنایت ندارند. اما تلاش های مردمی در ایران و دنیا می تواند به تغییر رفتار این دولتها و بر ملا شدن دروغهای شاخدار جمهوری اسلامی منجر شود. جمهوری اسلامی بخوبی می داند که چه جنایت هولناکی را مرتکب شده است و از همین رو به همه چیز چنگ می اندازد تا ابعاد این جنایت را بپوشاند. برای مردم ایران و جهان کشتار ۱۷۶ انسان جنایتی نابخشودنی است که آمرین و عاملین آن باید مجازات و محاکمه شوند. اینجا مروری داشته باشیم بر دلایلی که عمدی بودن سقوط هوایمای را تایید می کند.

دروغگویی و کتمان حقیقت

از روز چهارشنبه ۱۸ دی تا روز شنبه ۲۱ دی که جمهوری اسلامی پذیرفت هوایمای مسافربری هدف موشک سپاه قرار گرفته است، سه روز متوالی مقامات مختلف جمهوری اسلامی وقیحانه دروغ گفتند و منکر حقیقت شدند. وقتی که جامعه جهانی اعلام داشت که اصابت موشک به هوایمای از طریق ماهواره رصد شده است و در این رابطه ویدئوهایی نیز

منتشر شد که این حقیقت را تایید می کرد، جمهوری اسلامی مجبور شد که به کرده خود اقرار کند و آنرا "خطای انسانی" بنامد. همه شواهد حاکی از این است که مقامات جمهوری اسلامی از همان روز اول خبر داشتند که هوایمای با شلیک موشک پدافند هوایی سپاه سرنگون شده است با اینهمه سه روز تمام آنرا انکار کردند. کسی که از روز اول علت سقوط هوایمای را می داند و دروغ می گوید فقط دروغ نگفته است بلکه با آدرس دادن اشتباهی تلاش دارد نقش عامدانه خود در خلق این تراژدی انسانی را بپوشاند.

خطای "انسانی" و

یا "سپر انسانی"؟

جمهوری اسلامی ادعا دارد که سرنگون کردن هوایمای بدلیل "خطای انسانی" اپراتور سامانه پدافند هوایی سپاه صورت گرفته است. امیرعلی حاجی زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه در نشست خبری روز ۲۱ دی گفت: "به خاطر تصمیم گیری عجولانه یک فرد، شاهد این حادثه بودیم". اولاً چنین ادعایی با تبلیغات کر کننده جمهوری اسلامی مبنی بر راه اندازی یک سیستم یکپارچه پدافند هوایی هوشمند در

تناقض کامل است. طبق ادعای جمهوری اسلامی چنین سیستم هوشمند فرماندهی و کنترل پدافندی از شهریور ماه سال ۱۳۹۴ شروع به کار کرد. ثانیاً چرا در یک شرایط جنگی که به گفته فرمانده سپاه آسمان ایران در شرایط "بسیار حساس" بوده، پروازهای مسافربری لغو نشدند؟ چه کسی مسئولیت عدم لغو پروازهای مسافرتی را بر عهده داشته است؟ جمهوری اسلامی از پاسخ دادن به این سؤال طفره می رود. چرا که عدم لغو پروازهای مسافرتی شرایطی را برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی فراهم می آورد که از این پروازها بعنوان سپر انسانی استفاده کنند تا از حمله احتمالی نیروهای نظامی آمریکا جلوگیری نمایند و یا خود هوایمای را بزنند و حمله را به اسم آمریکا ثبت کنند.

ماجرای موشک کروز

وقتی که ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بیانیه روز خود در صبح روز ۲۱ دی ۱۳۹۸ پذیرفت که هوایمای اوکراینی در اثر اصابت موشک پدافند هوایی سپاه

از صفحه ۴

سرنگون کردن هوایمای مسافربری اوکراینی: "خطای انسانی" یا قتل فجیع و عامدانه؟

پاسداران سقوط کرده است خبری از تهدید "موشک کروز" نبود. در آن بیانیه فقط گفته شده بود که هوایمایدلیل چرخشش و "در حالت نزدیک‌شونده به یک مرکز حساس نظامی سپاه" در اثر "خطای انسانی و غیر عمدی" مورد هدف قرار گرفته است. اگر چه این توضیح نیر پوچ و مهمل است و هوایماید مسافربری در حال پرواز در مسیر یک کریدور از پیش تعیین شده بوده و تفاوت زیادی هم با هوایماید جنگی دارد ولی اثری از موشک کروز در این توضیحات نبود. این برای اولین بار در سناریوی سپاه پاسداران بود که "موشک کروز" وارد شد. امیر علی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۹۸ گفت که "فکر کردیم هوایماید مسافربری یک موشک کروز است و شلیک کردیم". حاجی زاده در حالی این دروغ بزرگ را سرهم بندی می کند که کارشناسان نظامی می گویند که سامانه های پدافند هوایی مجهز به دوربین های حرارتی هستند که به راحتی تفاوت موشک کروز و یک هوایماید مسافربری را تشخیص می دهند. بعلاوه سخنگوی خطوط هوایی اوکراین این ادعای جمهوری اسلامی را فوراً رد کرد و تاکید کرد که همه چیز نشان میدهد که

هوایماید در مسیر تعریف شده خود بدون هیچ انحرافی حرکت میکرده است. در هر صورت تناقضات متعدد در چند سناریویی که جمهوری اسلامی از چگونگی سقوط هوایماید بدست داده است نقش عامدانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در سرنگون کردن هوایماید را بیشتر به ما یادآوری می کند.

پاک کردن آثار جنایت یا "انجام تحقیقات"

دو روز بعد از سرنگون کردن هوایماید توسط موشک های سپاه پاسداران یعنی در بیستم دیماه (۱۰ ژانویه) محل سقوط این حادثه از وجود هر گونه بقایای هوایماید پاکسازی شد. جمهوری اسلامی مدعی است که قطعات یافت شده به سرعت از محل جمع آوری شدند و به محل امن انتقال یافتند "تا پس از چینش روی زمین، براساس رویه های متعارف بررسی سوانح هوایی، تحلیل لازم به دست آید." اما از نظر کارشناسان این عرصه اولین شرط لازمه برای تحقیق درباره چنین پرونده هایی این است که "به هیچ چیزی که از آسمان افتاده، به غیر از اجساد دست زده نشود". این بسیار مهم است که لاشه هوایماید ساقط شده در وضعیت طبیعی خود مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. تعجیل جمهوری اسلامی در پاکسازی منطقه سقوط، که در ضدیت کامل با روش های تحقیق استاندارد قرار دارد، جای هیچ شک و شبهه ای باقی نمی گذارد که آنها می خواستند آثار جنایت هولناکی را که مرتکب شده اند پاک کنند.

اظهارات مقامات مختلف جمهوری اسلامی

اعلام اینکه هوایماید اوکراینی در اثر "خطای انسانی" مورد هدف موشک قرار گرفته است آنچنان پوچ و مهمل است که حتی خود مقامات جمهوری اسلامی نیز حاضر نیستند آن را قبول کنند. حسن روحانی در جلسه هیئت دولت به تاریخ ۲۵ دی ماه (۱۵ ژانویه) گفت: " این حادثه باورکردنی نبود. من حالا اینرا به شما بگویم. هیچکس نمیتواند باور کند که یک هوایماید مسافربری در کنار فرودگاه بین المللی توی روت پرواز هدف قرار بگیرد. اصلاً توی مخیله آدم نمی آید. من بعنوان کسی میگویم که هفت سال مسئول پدافند هوایی بوده ام و در زمان جنگ بوده ام و در زمان جنگ هم همچون اشتباهی رخ نداد و در تاریخ ایران یک همچون اشتباهی رخ نداد. ما چنین چیزی نداریم که بغل فرودگاه بین المللی در پایتخت کشور در روت هوایی یک هوایماید زده بشود. اصلاً آدم باورش نمیشود. یعنی شوکه بودند خیلی ها. در جامعه ما، مسئولین ما. اصلاً میشود؟ اصلاً تصورش هم سخت است؛ نه تصدیقش، تصورش هم سخت است...". از سوی دیگر سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس، حسین نقوی حسینی، در مصاحبه ای بیان کرد که خطای فردی در حادثه پرواز پی اس ۷۵۲ برای او قابل قبول نیست و این ماجرا باید پشت پرده هایی داشته باشد. او گفت: "روزی که این اتفاق افتاد با من مصاحبه شد که چی شده این اتفاق افتاده گفتم

قطعا و قطعاً نقص فنی بوده چون اتفاق در فضای فرودگاه امام خمینی رخ داده مثلاً هوایماید نرفته هزار کیلومتر آنطرف تر اتفاق افتاده باشد. در همین فضا اتفاق افتاده این فضا هم کاملاً روی رادار است، کاملاً روی رادار است یعنی هم برج مراقبت میداند کی دارد می آید کی میرود هم دستگاههای امنیتی دیگر که نظارت میکنند کاملاً میداند این هوایماید الان بلند شد و ردگیری میشود روی رادار تا از فضای رادار فرودگاه خارج بشود. خب! این کاملاً روی رادار بوده امکان ندارد کسی حتی با چشم غیر مسلح که دارد فضا را نگاه میکند اجساس کند یک چیزی آمد یکدفعه! اصلاً چنین چیزی امکان پذیر نیست! نمیتواند به این شکل خطا اتفاق بیفتد. بویژه کسانی که پشت سیستم نشسته اند. دارند می بینند و دارند کنترل میکنند. اگر هوایماید از بیرون می آمد ... تازه آتیم که از بیرون می آید مشخصات دارد و با آن مشخصات با برج مراقبت ارتباط برقرار میکند ساعت ورودش را میداند ... ساعت نشستش را میداند... خلبانش را میشناسند، با او گفتگو میکنند مکالمه میکنند... اصلاً معنا ندارد چنین چیزی که شما یک دفعه حس کردید که یک چیزی آمد بزینمش؟ مگر کفتر بازی است؟! یا کلاغ و مرغایه؟! ... حالا چطور این خطا اتفاق افتاده انصافاً قابل بررسی است. من بعید به نظرم میرسد که یک خطای عادی انسانی است. پشت پرده هایی باید داشته باشد" از سوی دیگر محسن اسدی لاری، مدیرکل بین الملل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ایران که دوتن از فرزندان خود را در این

پرواز از دست داد، روز پنجشنبه ۲۶ دی ماه اظهار کرد «این حادثه عقبه هایی دارد و مطمئنم که به دلیل یک اشتباه یا فشار دادن یک دکمه نبوده است.» وقتی که رئیس جمهورو همچنین دیگر مقامات حکومت اسلامی دروغ " خطای انسانی" برای وقوع این اتفاق ناگوار را نمی پذیرند چگونه می توانند انتظار داشته باشند که مردم ایران و جهان با این به اصطلاح توضیحات قانع شوند.

دستگیری فیلمبردار صحنه اصابت موشک به هوایماید

روز ۲۴ دی از جانب قرارگاه ثارالله تهران اعلام شد فیلمبردار لحظه برخورد موشک با هوایماید اوکراینی در رباط کریم دستگیر شده است. دستگیری کسی که صحنه اصابت موشک دوم را فیلمبرداری کرده است چه دلیلی می تواند داشته باشد جز اینکه افشا شدن این جنایت هولناک به مذاق سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی خوش نیامده است و حالا می خواهند فرد بی گناهی را تاوان کار کنند؟ روزنامه های جمهوری اسلامی با این استدلال که "فیلمبردار صحنه اصابت موشک از کجا می دانسته در آن لحظه قرار است به هوایماید شلیک شود تا از قبل دوربین را آماده و منتظر انفجار در آسمان باشد" سعی کردند این شبهه را ایجاد کنند که دست "خارجی ها" در کار است و این فرد هم در حال "جاسوسی کردن" برای "بیگانگان" بوده است. معلوم نیست که اگر سپاه پاسداران مسئولیت ساقط کردن هوایماید را می پذیرد صفحه ۶

از صفحه ۵

سرنگون کردن هوایمی مسافربری اوکراینی

دیگر فیلمبردار بیچاره چه تقصیری دارد که این صحنه را ثبت کرده است؟ غیر از این است که پخش این فیلم، دروغ بزرگ جمهوری اسلامی را بر ملا کرد؟ یکی از دروغهای جمهوری اسلامی از ابتدا این بود که تنها یک موشک اشتباهی به هوایمی شلیک شده است. و این فیلم و ویدئوهای دیگر نشان داد که دو موشک در فاصله حدود ۲۳ ثانیه شلیک شده است و این نیز دلیل دیگری است که عمدی بودن سرنگونی هوایمی را بیشتر ثابت میکند. البته سازمان هوایمی کشور در دومین گزارش خود به تاریخ ۳۰ دی ماه بعد از انتشار فیلم های منتشر شده مجبور شد اعتراف کند که دو موشک مجاورتی از نوع M1-TOR از سمت شمال به سمت هوایمی شلیک شده است.

امتناع از واگذاری جعبه سیاه

مقامات مختلف جمهوری اسلامی از همان روز اول دلیل سقوط هوایمی را نقص

فنی اعلام کردند بدون آنکه داده های جعبه سیاه را مورد بررسی قرار باشند. حالا اعلام می کنند که علیرغم عدم برخورداری از تکنولوژی لازم برای بازخوانی جعبه سیاه حاضر نیستند که این جعبه را در اختیار کشورهای (از جمله فرانسه و کانادا) قرار دهند که از این فن آوری برخوردار هستند. جعبه سیاه یعنی دستگاه ثبت اطلاعات فنی پرواز و ثبت صداهای کابین و هوایمی حاوی اطلاعات مهمی است که می تواند پاسخ پاره ای از سئوالات مربوط به دلایل سقوط یک هوایمی را بدهد. اگر جمهوری اسلامی ریگی در کفش ندارد چرا از تحویل جعبه سیاه به کانادا یا فرانسه و یا اوکراین خودداری می کند؟ پرواضح است که جمهوری اسلامی از این مسئله هراس دارد. چرا که می داند با رمزگشایی از جعبه سیاه دستش رو می شود و جنایتش بر ملا خواهد شد. از همین رو جعبه سیاه را در اختیار خود نگه می دارد و از دادن آن به کشورهای دیگر و انجام یک تحقیق بی طرفانه امتناع می کند تا مانع کشف حقیقت شود.

آنچه که بازگو شد مروری بود بر برخی از مهمترین شواهدی که تایید می کند سقوط هوایمی مسافربری

اوکراینی و جان باختن ۱۷۶ انسان نه یک "خطای انسانی" که یک جنایت عامدانه و قتل عمد از سوی جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی نه فقط در تولید و خلق این جنایت هولناک مسئول است بلکه با رفتار بغایت ضد انسانی خود با بازماندگان جانباختگان این جنایت به همه نشان داد که کمترین ارزشی برای جان و حرمت انسان قائل نیست. نباید گذاشت که جمهوری اسلامی از این جنایت هولناک جان سالم به در ببرد. سران جمهوری اسلامی باید به دلیل این جنایت و جنایات ۴۱ ساله حاکمیتشان در دادگاههای بین المللی به محاکمه کشیده شوند. با سرنگونی مسافربری اوکراینی و گرفتن جان ۱۷۶ انسان دنیا بار دیگر متوجه شد که مردم ایران با چه حکومت ضد انسانی مواجه هستند. این حکومت باید در سطح بین المللی و به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک به انزوای کامل کشانده شود. مردم در ایران خواهان محاکمه سران این حکومت به دلیل جنایت علیه بشریت هستند و چشم به مردم دنیا بسته اند که بی دریغ از مبارزات آنها برای سرنگونی جمهوری اسلامی به حمایت برخیزند.*

از صفحه ۳

بلای سیل در بلوچستان، بلای جمهوری اسلامی است!

تا چشم کار می کند ویرانی و بلا و مصیبت است. این سیل بلای آسمانی نیست! بلای طبیعی هم نیست! خسارات آن کاملاً قابل پیشگیری و مهار شدنی بوده است. این بلایی است که جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل کرده است! بیش از چهار دهه است که مسئولین حکومت اسلامی از محرومیت استان سیستان و بلوچستان می گویند و هیچ اقدامی برای رفع محرومیت آن نکرده اند! هیچ زیرساختی برای ممانعت و پیشگیری از وقایعی این چنینی نکرده اند! یک سال پیش سیل در استان گلستان و خوزستان همین مصیبت را به پا کرد، و باز هم سیل این بار برای چندمین بار در بلوچستان فاجعه به بار آورد!

تهیدست ترین مردم که در روزگار خود جز محنت و سرکوب چیزی از حکومت اسلامی ندیده اند، در میانه این مصیبت به حال خود رها شده اند! هلال احمر با امکاناتی ناچیز و عملاً دست خالی تنها کمکی بود که حکومت فرستاد تا عملاً

کاری نکرده باشد! جمهوری اسلامی مسئول تمامی فاجعه ای است که بر سر محروم و ستمدیده بلوچستان آمده است! این همه سال بی توجهی عامدانه و به نیازمندیهای اولیه زندگی مردم منطقه در حالیکه همه این مصائب قابل پیشگیری بوده است و زمان کافی برای رفع آنها وجود داشته است، هیچ اقدامی جدی صورت نگرفت. بنابراین برای مردم روشن است که فاجعه سیل نه از آسمان نازل شده و نه بلای طبیعی است. این فاجعه و بلای جمهوری است.

جمهوری اسلامی موظف است همه خسارات وارده را جبران کند! زندگی مردم در اثر بی مبالاتی عامدانه این حکومت نابود شده است. و می توانستند مرفه و خوشبخت و ایمن زندگی کنند، اگر حکومت هار اسلامی با تبعیض و نابرابری، چپاول و اختلاس، فساد و سرکوب بر سرشان آوار نمی شد! اکنون نیز روشن است که برای سعادت و خوشبختی، رفاه و امنیت جامعه و رفع هر بلای طبیعی و غیر طبیعی باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

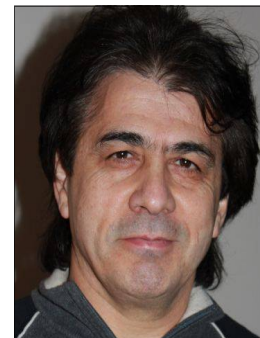
سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



شهاب بهرامی کنفرانس داووس!



روز سه شنبه ۲۱ ژانویه، مجمع جهانی اقتصادی "داووس" با حضور بیش از سه هزار نفر از سیاستمداران، اقتصاد دانان، بانک داران، صاحبان غول های عظیم مالی، ژورنالیست ها، محققین و دانشمندان عرصه های گوناگون و بالاخره چهره ها و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی بویژه فعالین محیط زیست و غیره برگزار شد. در میان مباحث، سمینارها، سخنرانی ها و ایشوهای که در دستور این کنفرانس برگزار شد شاید دو موضوع نمایان تر، جدی تر و مرتبط تر به سرنوشت ساکنان زمین خودنمایی کرد، دره عظیم فقر و ثروت از یکسو و گرمایش هولناک زمین و نابودی حیات و محیط زیست در آن سوی دیگر. این اجلاس در شرایطی برگزار شد که جهان شاهد جنبش های وسیع اعتراضی بر علیه سیستم بردگی حاکم از شیلی تا فرانسه و عراق و ایران و لبنان بود جنبش هایی که برای رهاییشان از چنگال خونین ونکیب بار سرمایه داری به پا خاسته اند.

گزارش های سالانه سازمان مستقل و غیر حکومتی "آکسفام" همچنان تکان دهنده و بحث برانگیز بود. این نهاد در کنفرانس امسال نیز با ارائه آمارهای

باورنکردنی، اوضاع وخیم اکثریت مردم فقیر و بویژه استعمار لجام گسیخته زنان و دختران در جهان را نمایان ساخت. آکسفام در گزارش امسال خود شکاف گسترده و روزافزون میان فقرا و ثروتمندان را یکی از بزرگترین چالش های جهان کنونی دانست در بخشی از این گزارش آمده است که: ۱ درصد مردم مرفه بیش از ۹۰ درصد مردم جهان، یعنی ۶,۹ میلیارد نفر ثروت و دارایی در اختیار دارند؛ ثروت ۲۱۵۳ نفر میلیاردی جهان به تنهایی بیش از ثروت ۴,۶ میلیارد نفر (بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان) است. دو سوم میلیاردیهای جهان ثروت خود را از طریق ارث، انحصار گرایی و ارتباطات بدست آورده اند. در گزارش آکسفام همچنین آمده است که نزدیک به نیمی از جمعیت جهان، یعنی ۳,۸ میلیارد نفر، درآمد روزانه ای کمتر از ۵ دلار دارند و روند کاهش فقر در جهان از اواسط سال ۲۰۱۳ به کندی گرائیده است. آکسفام در باره دلیل بروز این بحران می گوید: "مدل اقتصادی ناکارآمد و معیوب ما قدرت زیاد و ثروت انبوهی را در اختیار بخش کوچکی از جامعه، یعنی نخبگان ثروتمند می گذارد و به آنان اجازه می دهد که از نیروی کار فقرا و طبقات مردمی حداکثر بهره برداری را کرده و آنان را به استعمار بکشد. در این رویکرد استثمار، زنان و دختران در خط مقدم قرار گرفته اند و نخبگان ثروتمند جهان به خود اجازه می دهند که به صورت مکرر به حقوق آنان تجاوز کنند."

یکی از فعالین "گرین پیس" می گوید "۱۵۰۰ نفر از شرکت کنندگان این اجلاس با جت های شخصی به اینجا

آمده اند آیا نباید به ادعاهای این جماعت در مورد بهبود شرایط زندگی مردم و بهبود محیط زیست شک کرد؟ این جماعت میلیاردرهای حقه بازی هستند که برای بدست آوردن باز هم بیشتر سود از هیچ عملی فرو گذار نیستند. این آقایان با پروژه های آنچنانی خود نه تنها بخشی از مشکل و مصائب امروزاند بلکه خود آفریننده این شرایط هستند." به گفته "جنیفر مورگان" دبیرکل گرین پیس، ۹۹ درصد این شرکت کنندگان حباب اند، حرف های قشنگی می زنند ولی فقط به فکر جیبشان اند. اینجا زمین مسابقه ای است تا رهبران قدرتمند جهان سهم بیشتری از بازار را نصیب خویش گردانند عواقب و نتایج مخرب و زیانبار این ماجراجویی های مالی و سیاسی مسئله ای ثانوی است همگی حرف های قشنگی می زنند بدون آنکه کسی متعهد به اقدامی عملی در جهت بهبود باشد. جنیفر در پایان می گوید: ما در بطن انقلاب چهارم صنعتی هستیم و این انقلاب نه تنها می تواند حیات و زمین را نجات دهد بلکه پایانی باشد بر نابرابری های اجتماعی و فقر عمومی.

دبیرکل "سازمان جهانی همکاری های اقتصادی و توسعه" اعتقاد دارد که شیفت قدرت و تمرکز آن در دست مولتی میلیاردرها و نخبگان

سیاسی شان، همچنین تصمیمات نامعقولانه آنها برای کسب سود بیشتر در زمینه سیاسی منجر به پا گرفتن مجدد ناسیونالیسم و پوپولیسم در ارکان قدرت گشته و در زمینه اقتصادی موجب بحران بانکی دهه گذشته شده است که به بحران اقتصادی منجر شد و در ادامه به بحران های اجتماعی و حتی نسلی انجامید. وی برای اثبات نظراتش می گوید ما نسل جوان را از دست دادیم، بیش از ۶۰ درصد از جوانان انگلیس حتی در رفاندوم برگزیت شرکت نکردند و امروز با پشیمانی کابوس واقعی برگزیت مواجه گردیده اند. آنها دیگر به دموکراسی اعتقادی ندارند، دموکراسی آنها را از دست داده است و ما هم می رویم تا دموکراسی را از دست بدهیم.

شاید محبوب ترین و پرنفوذترین شخصیت این فوروم کماکان "کلاوس شوبر" پرفسور آلمانی اقتصاد بازار آزاد و بنیانگذار "مجمع جهانی اقتصاد" باشد که کنفرانس سالانه اش را در دهکده کوهستانی داووس در سویس برگزار می کند. بنظر می رسد وی نیز امید و باورش به بهبود شرایط زندگی بشر زیر سیطره سرمایه داری را از دست داده است. می گوید این سیستم معیوب است جواب نمی دهد. بحران

بانکی دهه گذشته نشانگر اوضاع وخیمی در آینده است. سیستم بانکی ما چنان کوه عظیمی از بدهی بالا آورده که چندین نسل در آینده نیز قادر به بازپرداخت آن نخواهند بود به یک معنی ما داریم به حساب نسل های آینده خرج می کنیم، ما از فقر و فاقه امروزی صحبت می کنیم در حالیکه فقرای واقعی نسل های آینده اند که همگی با بدهکاری دنیا می آیند. شواب ملتسمانه می گوید آینده ما را نفروشید، زمین ما را منهدم نکنید.

گرتا تونبرگ دختر نوجوان سوئدی که پرچمدار مبارزه برای نجات زمین و کمپین جهانی "جمعه ها برای آینده" بوده و شهرتی جهانی کسب کرده بعنوان یکی از شرکت کنندگان اجلاس داووس با سخنرانی شورانگیزی در آکسیونی اعتراضی خارج از ساختمان اجلاس، به بی عملی رهبران و قدرتمندان جهانی مسئولیت تمام این فجایع را به گردن آنها گذاشته و از نسل جوان امروز به عنوان قربانیان این جماعت یاد می کند. کلاوس شوبر در نامه ای گرم از صحبت های گرتا استقبال کرده و می گوید که ما تک تک مردمان روی زمین باید مسئولیت خود را درقبال نجات از این فاجعه انجام دهیم گرتا در جواب می



این حکومت رفتی است

سران حکومت همه به موضعی دفاعی افتاده اند، روحانی گفته بود معذرت می‌خواهیم از مردم، فرمانده سپاهش آرزو کرده بود که کاش در هواپیما بود و مرده بود و بقیه هم حرف‌هایی شبیه اینها زده بودند، ناچار شد امامت جمعه را بعهده بگیرد. و اینقدر برایش از قبل تبلیغ کرده بودند، حتی گفته بودند صحبت خامنه‌ای چنان تاریخی خواهد بود که آمریکا بعد از صحبت او ممکن است دست به اقدامی بزند که توجه‌ها را به جای دیگری ببرد اما احتیاجی به اینکار نبود! چون کل این نمایش پوچ بود. نه خطی برای هیچ بخش حکومت داشت، نه استدلالی به مقامات داد و نه افقی رو به جلو ارائه داد. حتی در مورد دولت‌های اروپایی هم که گفت اینها خبیث و بزدل و .. هستند اما نهایتاً گفت راهی جز مذاکره با آنها نداریم. در اطلاعیه حزب قبل از نماز جمعه اشاره کردیم که رجزخوانی خامنه‌ای نمیتواند در مقابل آمریکا و غرب باشد، پیامش به مردم است که باز هم می‌زنیم و سرکوب می‌کنیم. بهررو خامنه‌ای اوج درماندگی حکومت را در نماز جمعه به نمایش گذاشت. این کل حکومت بود.

کیوان جاوید: چرا

ادامه در صفحه ۹

نتیجه موقعیت جمهوری اسلامی تغییر نخواهد کرد و بدتر میشود.

اصغر کریمی: این را اشاره کنم که روشن بود که خامنه‌ای نمیتوانست نکته ویژه و برجسته‌ای بگوید چون راه حلی ندارد. در شرایطی که جمهوری اسلامی با بحران همه‌جانبه‌ای مواجه است صرفاً با رجزخوانی نمیتواند راه حلی نشان بدهد. به این دلیل از قبل روشن بود که حرفی برای گفتن ندارد و همانطور که کیوان آذر هم توضیح داد بعد از موشک باران نمایشی پایگاه آمریکا که قدرت پوشالی جمهوری اسلامی را نشان داد و سقوط هواپیمای مسافربری و بعد اعتراضات گسترده در کشور که بویژه مردم علیه خامنه‌ای و سپاه و سردارشان سلیمانی شعار دادند خامنه‌ای دید همه سران حکومت لکنت زبان پیدا کرده اند، حرفی برای دفاع از حکومت ندارند و مواضع متشمتی دارند ناچار شد در این نماز جمعه شرکت کند. ولی فقط میتوانست با شمشیر چوبین نمایش قدرت بدهد.

کیوان جاوید: اگر حرفی برای گفتن نداشت اصلاً چرا شرکت کرد و خودش را سکه یک پول کرد؟

اصغر کریمی: همینطور که توضیح دادم خامنه‌ای دید

ایران داشتیم و حکومت دید که علیرغم آن کشتار ولی هنوز تعرض مردم ادامه دارد و چیزی تغییر نکرده و مردم از کشتار جمهوری اسلامی مرعوب نشده اند.

در ادامه این وضعیت کشته شدن قاسم سلیمانی که یکی از مهمترین مهره‌های کلیدی جمهوری اسلامی بود را توسط آمریکا داشتیم، و برای اینکه بتواند جواب اعتراضات آبان ماه را بدهد جنازه کشی در شهرها به راه انداخت و سعی کرد توازن قوا را به نفع خود عوض کند. و بعد فکر می‌کرد که اوضاع آرام شده، تحت کنترل هست. ولی مجدداً دید بعد از آن تشییع جنازه‌ای که انجام دادند مردم آمدند و خیلی تعرضی تر و سرنگونی طلبانه تر گفتند که "جمهوری اسلامی نابود باید گردد". خوب این حکومت می‌گوید ما آمدیم روش‌های مختلفی را برای اینکه مردم را بترسانیم و عقب برانیم انجام دادیم، سرکوب و کشتار کردیم ولی جواب نداده و می‌بینیم که پاسخی دیگری هم در حال حاضر ندارد برای برون رفت از این معضل و بحران. برای همین ناچار است که خامنه‌ای بیاید و بعنوان رهبر این نظام، اوضاع را جمع کند. ولی وقتی می‌آید صحبت کند، بخاطر اینکه هیچ راه حلی برای این اوضاع ندارد در

و جاهای دیگر. بعد از رجزخوانی‌های پوشالی که انجام داد در ادامه نیز در رابطه با اتحادیه اروپا و دولت آمریکا نیز صحبت کرد. این محورهای بود که صحبت‌های خامنه‌ای را تشکیل میداد. اما در کلیت، وقتی به همه این صحبت‌ها نگاه کنیم، می‌بینیم که صحبت‌های خامنه‌ای برمی‌گردد به موقعیتی که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است. بنابراین وقتی جامعه و شبکه‌های اجتماعی را بررسی کنید، مباحثی که مردم دارند انجام می‌دهند می‌بینیم که خامنه‌ای بیشتر مورد تنفر قرار گرفت، صحبت‌هایش را جوک کردند و اساساً این برمی‌گردد به موقعیت زار جمهوری اسلامی.

در عین حال ببینید ما در همین دو ماه یعنی از آبان به این طرف را که بخواهیم بررسی کنیم می‌بینیم که مردم وسیعاً به خیابانها آمدند و آماری که خود جمهوری اسلامی داده در رابطه با خیزش آبان، بیش از ۷۲۰ نقطه ایران، اعتراض صورت گرفته است. جنبش سرنگونی مردم ایران وسیعاً و خیلی تعرضی به جمهوری اسلامی حمله کرد. جمهوری اسلامی در مقابل آمد اینترنت را قطع کرد و کشتار و سرکوب فجیعی راه انداخت، که در ادامه آمار بیش از ۱۵۰۰ نفر کشته اعلام شد. ولی اتفاقاتی که به محض اینکه اینترنت وصل شد انجام گرفت، افشاکاری‌های وسیعی توسط مردم در رابطه با فضای اعتراضی و نیز جنایات حکومت بود. مشخصاً بعد از آن خانواده‌ها آمدند، اعتراض مردم جلو رفت، روز اعتراضی پنج دی ۹۸ فراخوان داده شد، قبل از آن نیز شانزده آذر را در دانشگاه‌های سراسر

نگاهی به نماز جمعه خامنه‌ای

متن میزگرد تلویزیون کانال جدید با اصغر کریمی و کیوان آذر

کیوان جاوید: قبل از نماز جمعه عده‌ای منتظر بودند که خامنه‌ای می‌آید و سنگ تمام می‌گذارد چون در نماز جمعه‌های بعد از تظاهرات ۸۸ و دی ۹۶ خامنه‌ای خط و نشان کشید و سعی کرد از حکومت تصویر مقتدری نشان بدهد. در این نماز جمعه چه گفت، صحبتش چه محورهایی داشت؟

کیوان آذر: ابتدا به امر باید بگویم که خامنه‌ای درباره مواردی صحبت کرد که خوب مشخصاً محور بحث هایش جواب به مردم، فضای سیاسی ایران و اعتراضاتی که در جریانش هستیم بوده، اساس بحثش رو به این مسائل بود یعنی رو به مردم معترض و سرنگونی طلب ایران. خامنه‌ای سعی می‌کرد به اشکال مختلفی بیاید به اعتراضاتی که شده پاسخ دهد، یعنی رو به مردمی که علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و گفتند جمهوری اسلامی نابود باید گردد، مردمی که علیه خود شخص خامنه‌ای که ستون و خیمه نظامشان به حساب می‌آید شعار داده اند، علیه مهمترین ارگان‌ها که سپاه باشد شعار داده اند و علیه نمادی که حکومت با او این همه مانور و تبلیغ کردند، یعنی علیه قاسم سلیمانی هم شعار دادند و بنرهایش را پاره کردند. خامنه‌ای باید می‌آمد برای انسجام و روحیه دادن به بدنه خود حکومت و کسانی که به هر حال دنباله رو جمهوری اسلامی هستند هم در ایران و همینطور در عراق

از صفحه ۸

نگاهی به نماز جمعه خامنه ای

نتوانستند در این حرکت نماز جمعه بسیج کنند؟ همه می دانند که از شهرستان ها بسیج کردند. به کسانی گفته اند که پول بیمه به شما می دهیم، یک تعدادی کوبین داشتند. چرا نتوانستند آن بسیج را بکنند دقیقاً مثل بسیج قبلی، بالاخره کشته ای داده بودند، منفور هم بود ولی نتوانستند بیشتر از این یکی بسیج کنند. چه شد؟

کیان آذر: اینکه برای این نماز جمعه چرا نتوانستند مثل مراسم قاسم سلیمانی عمل کنند، خب قاسم سلیمانی به هر حال در بخش های مختلف حکومت یک جایگاهی داشت. علیرغم همه تفاوت ها و اختلاف هایی که وجود دارد بین اصولگراها با بقیه، اما شما مثلاً می بینید از توی اصلاح طلب ها گرفته تا سایر بخشهای دیگر حکومت شرکت کردند. یعنی می خواهم بگویم که به هر ترتیب موقعیتی که قاسم سلیمانی که در نظام داشت، بخش های مختلف حکومت و یا متوهمین به قاسم سلیمانی را به خیابانها آورد و در عین حال حکومت میخواست مقابل این ضربه سختی که خورده بود یک عرض اندامی بکند. اما در رابطه با نماز جمعه آن فاکتور تعیین کننده وجود نداشت و به هر حال جمعیت کمتری آمده بود و شرکت کرده بود. اما در عین حال به نظر من فاکتور اساسی این نکته جمعیتی نیست. بخاطر اینکه همه حکومت های فاشیستی متخصص هستند در این زمینه. جمهوری اسلامی بدنه ای دارد که به هر حال اینها نیروهایشان هستند، حقوق بگیرهایشان هستند و به شیوه

های مختلفی حتی با گرو کشی هم سعی در آوردن جمعیت میکنند. برای همین می خواهم بگویم که اصلاً نباید تعجب کرد. جمهوری اسلامی نه فقط اینبار، شاید دفعات بعد، در ماههای آینده هم بتواند این کار را انجام بدهد. این خصوصیت حکومت های فاشیستی است که می تواند نیروهایی درون بدنه خودشان را سازمان دهند و پای رویدادی که دارند بیاورند.

کیان جاوید: ولی در بسیج برای نماز جمعه شکست خوردند.
اصغر کریمی: در مورد سلیمانی بخش های مختلف حکومت و حواشی آن شرکت کردند ولی در مورد نماز جمعه تفاوت این بود که خامنه ای منفورترین فرد حکومت است و حتی در میان بخشی از خود حکومتیان هم منفور است.

کیان جاوید: موقعیت شخص خامنه ای الان چطور است؟

اصغر کریمی: در جامعه که روشن است همیشه منفور بوده است اما الان مردم در تظاهرات مستقیماً و قبل از هر چیز علیه خود او بعنوان مهمترین شاخص حکومت و بعنوان قاتل و جاهل شعار میدهند همینطور علیه سپاه که ارگان اصلی سرکوب و حفظ حکومت شعار میدهند. موقعیت خامنه ای طوری است که برای مجلس یازدهم هم چهره های شاخص اصلاح طلبان و حتی تعدادی از اصولگرایان را که کاملاً سرسپرده خامنه ای نیستند رد صلاحیت کرده اند چون میگویند در جامعه خامنه ای زیر ضرب مردم است اگر بخشی از مجلس هم منتقد حتی نیمه بند او باشد

موقعیت خامنه ای خیلی بدتر میشود. اما این هم به دعوای درونی شان بیشتر دامن میزند.

کیان جاوید: حاشیه ی این نماز جمعه خیلی خنده دار بود و مردم بیشتر به آن توجه کردند. تقریباً آخر نماز و خیلی زود روحانی عبایش را جمع کرد و رفت. این اولاً صفوف حکومت را چگونه نشان می دهد و چه تأثیری در فضای عمومی داشت؟

کیان آذر: ببینید مشکل جمهوری اسلامی این است که آمدن برنامه را اجرا کرد. این برنامه چیز جدیدی برای مردم نداشت. مردم این حکومت را در عرصه های مختلف دارند شکست می دهند. من اشاره کردم، تک ارگان های این حکومت را دارند علیه اش شعار می دهند. شخص اول این نظام را دارند علیه اش شعار می دهند. برای همین این برنامه چیز جدیدی نداشت. این صحبت های خامنه ای و تهدیداتش را یک ماه قبل حکومت عملی کرده، حکم کشتار و سرکوب جنایت داده ولی مردم نترسیدند، مرعوب نشدند، بلکه تعرضی تر آمدند و گفته اند حق خواهی می کنیم. مجدداً بیرون آمدند و حتی شعار "جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون" تبدیل شده به شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد". مردم بیشتر در مقابل این نمایش خامنه ای را دست انداختند و آنرا به جوک تبدیل کردند. از همین مسئله روحانی که شما به آن اشاره کردید، اینقدر شفاف دارد این اختلاف را نشان می دهد یا حتی کسانی که دارند میروند به آن نماز جمعه، و پرچم های آمریکا را که آنجا پهن کرده بودند که مردم از روی آنها رد بشوند، که افراد

بخشا خودداری میکردند. مردم عملادر خیابان جواب این رجزخوانی ها را داده بودند. حکومتی که می گوید ما انتقام سخت می خواهیم بگیریم، برخورد مردم را شما ببینید چگونه است. مردم میگویند انتقام سخت اینها این بود که ۱۷۰ نفر را با هواپیما بیندازند و بکشند، ۷۰ نفر را در کرمان آطور کشتند، این چه انتقامی است؟ ویا میگویند انتقام سخت را از مردم ایران و عراق می خواهند بگیرند، این برخورد مردم با این ماجرا است. تا جایی هم که به اعتراضات برمی گردد در دانشگاه ها و خیابان دارند می گویند جمهوری اسلامی نابود باید گردد. و در ادامه هم با جوک کردن خامنه ای و این برنامه اش نشان میدهند به هیچ عنوان مرعوب نشده اند و بلکه با روحیه اعتراضی در مقابل حکومت قرار دارند.

کیان جاوید: شما اصغر کریمی موقعیت جنبش سرنگونی را چطور میبینید؟ الان اعتراضات واقعا بیادماندنی مردم را مدام شاهد هستیم که آخرین موردش آبان و همین هفته قبل بود که زنان هم شجاعانه در صف اول این اعتراضات بودند و یا دانشگاه ها دست به تجمع میزنند ولی کارگران دست به اعتصاب نمیزنند یا کارگران اعتصاب میکنند ولی دانشجویان همزمان دست به اعتراض نمیزنند. این پراکندگی در جنبش سرنگونی نیست؟

اصغر کریمی: اگر مردم کوچکترین آزادی داشتند حتماً تشکل های سراسری کارگران و دانشجویان و معلمان و غیره هم وجود میداشت و اتحادیه ها یا شوراهای سراسری ایجاد شده

بود که میتوانستند دست به حرکت سراسری و همزمان بزنند ولی جمهوری اسلامی چهل سال سرکوب عریان کرده که مردم متشکل نشوند. با اینهمه کارگران و معلمان و دانشجویان در سالهای گذشته تلاش زیادی برای متشکل شدن خود کرده اند و قدم های خوبی هم در این زمینه برداشته اند. اگر تشکل های سراسری داشتند اعتصابات واقعا ده میلیونی و بیست میلیونی سازمان میدادند ولی با وجود این مردم هرروز بیشتر در جهت متحد شدن دارند پیشروی میکنند. مثلاً شعارهای مردم نشان دهنده اتحاد یکپارچه مردم است اینطور نیست که هر کس برای منافع قسمتی خودش شعار میدهد. تمام جامعه متحد و یکپارچه میگوید جمهوری اسلامی و خامنه ای باید گورشان را گم کنند، حکومت مذهبی نمیخواهیم، آزادی و رفاه میخواهیم. جامعه حول خواست هایش متحد شده و این مهمترین رکن اتحاد مردم است. علاوه بر این در دی ۹۶ و آبان و دی امسال شاهد بودیم که همینکه در جایی اعتراض شروع میشود در عرض کمتر از ۲۴ ساعت در سراسر کشور مردم دست به اعتراض میزنند. اما اینکه چرا همزمان با اعتراضات خیابانی کارگران دست به اعتصاب نمیزنند بخاطر شرایط است کمی جلوتر برویم این اتفاق هم می افتد.

کیان آذر: من نکته ای در این رابطه دارم. من فکر می کنم که واقعی باید به این پروسه نگاه کرد. حداقل ۲۰ سال هست، اگر از ۷۸ در نظر بگیریم به این طرف، این جنبش سرنگونی ملزوماتی را که لازم داشته، هفته به هفته،

ادامه در صفحه ۱۰

از صفحه ۹

نگاهی به نماز جمعه خامنه ای

ماه به ماه و سال به سال ساخته تا رسیده به اینجا. می توانیم بررسی کنیم و ببینیم که تا رسیدن به دی ماه ۹۶ چه پروسه ای طی شده است. در نتیجه، من حالا نمیخواهم به آن ۲۰ سال برگردم ولی به نظر من این ۲۰ سال بسیار تعیین کننده است جنبش سرنگونی یک نقطه عطف هایی دارد. اعتراضات تیر ۷۸، و همینطور چند ماه مبارزه مردم در سال ۸۸، دیماه و زمستان ۹۶ و الآن که ۹۸ است. ما در ۹۶ می بینیم که عروج جنبش سرنگونی هست که مردم در ۱۵۰ شهر ایران می آیند و می گویند جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون و این حکومت باید برود و آن رودرروی مستقیم، علنی و عریان بین بخش وسیعی از مردم و حکومت اتفاق می افتد. بعد از اینکه تظاهرات سراسری در زمستان ۹۶ به اصطلاح افت می کند و دیگر برگزار نمی شود، ما می بینیم نقشی که جنبش کارگری و فعالین کارگری می آیند ایفا می کنند بسیار تعیین کننده هست در پیشبرد جنبش سرنگونی. مثلاً اعتصاب هفت تپه، اعتصاب فولاد اهواز، و افرادی مثل اسماعیل بخشی که می آیند چه نقش تعیین کننده ای را به عنوان رهبر جامعه ایفا می کنند. می خواهم بگویم اینها همه ابعاد مختلف آن جنبش سرنگونی هست و ابعاد مختلف پیشروی این جنبش در مقابل جمهوری اسلامی است.

کیوان جاوید: شرایط ایجاب نمیکند یعنی جمهوری اسلامی قوی است و مردم

ضعیفند؟

اصغر کریمی: روشن است که جمهوری اسلامی حکومت است، زندان دارد، تهدید میکند اخراج میکند امکانات اقتصادی دارد در نتیجه بخش هایی از جامعه مجبورند دست به عصا راه بروند ولی در سالهای گذشته شاهدیم که خیزش های سراسری و قدرتمند با فاصله زمانی کمتری شروع شده است خیزش تمام میشود کارگران اعتصابات سی روزه و چهل روزه میکنند با شعار اداره شورایی و جامعه از آنها حمایت میکند یا اعتصاب رانندگان کامیون و اعتصاب سیاسی و یکپارچه در کردستان شروع میشود یعنی جامعه با چنگ و دندان دارد میجنگد ولی اوضاع کمی بیشتر به زیان جمهوری اسلامی عوض شود آنوقت مطمئن باشید که هم اعتصابات ده میلیونی صورت میگیرد و هم همزمان خیزش های عظیم و سراسری را شاهد خواهیم بود هم انواع تحصن صورت میگیرد و هم جنبش استعفا در وزارتخانه ها و سلبریتی ها و حتی در میان مقامات حکومتی و غیره راه می افتد و در واقع از همه طرف جمهوری اسلامی را محاصره میکنند و کمرش را میشکنند.

کیوان جاوید: سوال هنوز این است چرا این جنبش کارگری که این قدرت و عظمت را دارد و یا دانشگاهها که می گویند فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم. چرا همزمان اینها که دارند حماسه می آفرینند، بقیه جامعه همان موقع شروع نمی کنند ویا برعکس؟

کیوان آذر: خوب نکته ای که من دارم همین است که ما در این موقعیتی که الآن

هستیم، به طور مثال الآن در شبکه های اجتماعی می گویند که کارگر نفت کجاست به طور مثال، که بتواند بیاید آن نقش انقلاب ۵۷ را ایفا کند. یا کارگرانی در بخش های کلیدی هستند و شریان های اصلی جمهوری اسلامی به آن بخش مربوط هست کجا؟ این یک انتظار قابل قبول و معقولی هست اما باید بدانیم که ما داریم به آن سمت حرکت می کنیم که دخالتگری وسیع بخشهای مختلف کارگران و همینطور سطوح مختلف جامعه را در این روند داشته باشیم ولی شرایط سیاسی و موقعیتی که جنبش سرنگونی و همینطور جنبش کارگری الآن با آن روبرو هست، هنوز به آنجا نرسیده، این معمولاً در یک شرایطی اتفاق می افتد و کارگران بخشهای کلیدی به میدان می آیند که مبارزات کل جامعه و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را تا حدی به عقب رانده که فضای دوگانه ای در کشور ایجاد شده و چشم انداز سرنگونی حکومت در افق مشخصا مشهود است. و در چنین شرایطی ست که کارگران بخشهای کلیدی به میدان می آیند و نقش ایفا می کنند که ما هنوز به آن موقعیت نرسیده ایم. و با آن فاصله داریم. اما داریم به آن سمت حرکت میکنیم.

کیوان جاوید: آن موقعیت چیست؟
کیوان آذر: تمام انقلابات دنیا مرحله ای دارد هرروز مردم نمیتوانند انقلاب کنند.

کیوان جاوید: ولی مصر انقلابش سی روز طول کشید.
اصغر کریمی: مصر و تونس و ... تفاوت های زیاد تاریخی با ایران دارند از جمله اینکه

جمهوری اسلامی در جریان انقلاب ۵۷ سر کار آمد که الان فرصت بحث درمورد آن نیست. ولی بحث من این است که اعتراضات علیه جمهوری اسلامی مدام قوی تر و عمیق تر شده. سال ۸۸ مثلاً شعارها با رای من کجا است شروع شد و نهایتاً به مرگ بر دیکتاتور ختم شد. شعارهای دی ۹۶ کاملاً تعرضی بود با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و به ارگان های سرکوب و مذهبی مردم حمله کردند. آبان و دی امسال با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد و مرگ بر خامنه ای و سپاه که تندتر از این امکان نداشت. بعلاوه مردم شروع کردند به کنترل محلات و شکل دادن به شبکه های اعتراضی که مردم را سازمانیافته تر برای تعرض و خیزش های بعدی آماده میکند. کارگران خیلی جلوتر آمده اند، معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و رانندگان کامیون ها همینطور، بدرجاتی متشکل شده اند و قدم های قابل توجهی به جلو برداشته اند. مردم دارند سنگ روی سنگ میگذارند و جلو می آیند، در یکجا توقف نکرده اند.

کیوان جاوید: اگر مردم از حزب کمونیست کارگری بپرسند چکار باید کرد چه جوابی میدهید؟

اصغر کریمی: ما در شرایط کنونی روی چند نکته تاکید ویژه داریم. اعتصابات سراسری را مرتب مورد تاکید قرار میدهیم و بویژه اعتصاب سراسری دانشجویان و معلمان که زمینه بیشتری در شرایط کنونی دارد. کارگران هم مورد خطاب ما هستند اما بنظر ما در کوتاه مدت دانشجویان و معلمان از بقیه

آماده تر هستند. و اگر این بخش از جامعه اعتصاب سراسری بکند زمینه برای اعتصاب عمومی در کل جامعه آماده تر میشود. علاوه بر این ساختن شبکه های فعالین در محلات برای نقش رهبری و کار سازمانیافته تر در محلات و همینطور خیزش های سراسری که، الزاماً نمیتوان در روز معینی فراخوان داد ولی با فواصل کمتری و هر بار توفنده تر دارد اتفاق می افتد.

کیوان جاوید: روحانی چند وقت پیش یک جمله طلایی گفت. او گفت من وقتی که میخواستم رئیس جمهور بشوم، آن موقع دوران صلح بود و من وعده داده بودم که ۱۰۰ روزه اقتصاد را راه می اندازم. کلید دست من است، نقشه راه را هم من دارم. تدبیر و امید و غیره. یک یا دو هفته پیش گفت آن موقع دوره صلح بود و حالا دوره جنگ است و یک چیز دیگر هم گفت که ما گرانی داریم ولی قحطی نداریم. الآن هم جلوی خامنه ای آمده هارت و پورت می کند و می خواهد بگوید اصلاً باور کردنی نیست که این هواپیما خودش افتاده باشد. یک جوری می خواهد بگوید که صف من از بقیه جداست. چقدر این بخش حکومت که مستقیم ابزار کشتار خیابانی دستشان نبود، مثلاً دست سپاه و فرمانده کل قوا، خامنه ای بود، چقدر اینها شانس دارند یک بار دیگر جمهوری اسلامی را بکشند جلوی؟

کیوان آذر: هیچ شانسی به نظر من برایشان وجود ندارد. جامعه در سال ۹۶ گفت اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا، توازن قوا به جایی رسیده که مردم آمده اند و حرف دلشان که چندین

ادامه در صفحه ۱۱

از صفحه ۱۰

نگاهی به نماز جمعه خامنه ای

سال داشته اند را علنا و در شکل توده ای در صد شهر ایران گفته اند که این حکومت باید برود. مردم به خوبی می دانند که از کوچکترین معضلی که دارند تا بزرگترین معضلتان، اگر بخواهند حل شود باید جمهوری اسلامی سرنگون شود. نکته ای که وجود دارد این است، بخش وسیعی از مردم، چند ده میلیون نفر دیگر الآن می بینند با این اوضاع حتی با آن شرایط چندین برابر زیر خط فقر هم دیگر نمی توانند زندگیشان را ادامه دهند. یک موقعیتی بوجود آمده که یا بایستی چند ده میلیون نفر نابود بشوند به اشکال مختلف و یا باید جمهوری اسلامی نابود شود. موقعیتی که جامعه ایران در آن قرار گرفته این است. در نتیجه، الآن توده ای ترین خواسته و مطالبه، برای بهبود حتی درصد کوچکی در زندگی مردم، الآن این است که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. برای همین روحانی یا هر کسی دیگر یا جناحی دیگر بیاید بگوید که من می توانم اوضاع را سر و سامان دهم و یا مثلاً با آمریکا بسازم، این مورد قبول جامعه واقع نخواهد شد. الآن این مسئله در دستور عمل جامعه قرار گرفته که این حکومت را باید سرنگون کنیم تا بتوانیم زندگیمان را ادامه دهیم.

کیوان جاوید: در شرایطی که تحریم ها بویژه از طرف آمریکا اقتصاد جمهوری اسلامی را داغان کرده است آیا امکان ندارد طرفداران دول غربی و ترامپ جامعه را به

سمت آلترناتیو خودشان بکشانند؟

اصغر کریمی: تا جایی که به ترامپ مربوط است و پشتوانه اپوزیسیون راست است بارها گفته است قصد سرنگونی حکومت را ندارد و حتی در همین روزهای اخیر و در اوج تنش هم تکرار کرد که خامنه ای میتواند کشور و دولت مقتدری داشته باشد. او میگوید رام شوید و سیاست های منطقه ای تان را با من منطبق کنید ما هم کاری به شما نداریم و رژیم چنج و تغییر حکومت روی میزمان نیست. فشار ترامپ برای این است که موقعیت بهتری در میز مذاکره داشته باشد. تا جایی که به اپوزیسیون راست مربوط میشود یکی از سمبل هایش که رضا پهلوی است درمورد قتل سلیمانی سکوت کرد حتی هوادارانش مرتب او را مورد سوال قرار دادند که چرا حرفی نمیزنی و البته روشن بود که چرا حرفی نمیزند. یک فرد ناسیونالیست که میخواهد سپاه و یا سایر ارگان های حکومت را نگهدارد حرفی هم برای زدن ندارد. در واقع حرف او را اردشیر زاهدی زد که گفت سلیمانی فرزند ایران است و نفوذ ایران را در خارج از مرزهای پرگهر! زیاد کرده است. و این تنها مورد نیست رضا پهلوی مدتها است به جمهوری اسلامی میگوید فرقه تبهکار نه جمهوری اسلامی که مبدا اسلام زیر ضرب قرار بگیرد. چون میخواهد اسلام را حفظ کند. اسلام واقعی از نظر او چیز دیگری است شبیه موضعی که سازمان مجاهدین دارد که به جمهوری اسلامی میگوید حکومت آخوندی. در حالیکه مردم صریحاً میگویند جمهوری اسلامی نابود باید گردد و یا به مدارس علمیه و سایر موسسات سرکوب مذهبی

حمله میکنند و میگویند نه مذهبیتان نه قوانین تان نه ارگان های سرکوبتان را نمیخواهیم و همه باید نابود شوند. در چنین شرایطی مردم دنبال آلترناتیوی میگردند که خواست و اراده و خشم و نفرت مردم را نمایندگی کند و قاطعانه در مقابل حکومت و سردارش و جناح ها و ارگانهایش بایستد. با هر اتفاقی مردم بیشتر پی میبرند که اپوزیسیون راست نمایندگی شان نمیکند.

کیوان جاوید: سوال مردم این است که رهبری ما چه می شود؟

کیان آذر: در این فضای سیاسی که داریم به سمت آن حرکت می کنیم، یک حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران به کارنامه سیاسی و عملی اش که مراجعه بکنیم می بینیم که هم آن ظرفیت، آن پتانسیل و آن شایستگی را دارد و نقشی را ایفا کرده که در این پروسه بتواند رهبری این جنبش و به اصطلاح این انقلابی که دارد زاده می شود، دارد بوجود می آید را بتواند رهبری کند. نکته ای که اینجا هست، این انقلابی که دارد بوجود می آید، دارد ملزومات و اندام خودش را درست می کند. برای اینکه این این انقلاب در راه سرنگون کردن این حکومت بتواند حکم خودش را اجرا بکند، در این پروسه یکی از مهمترین فاکتورهایش هم مسئله رهبری است که به نظر من این پروسه در حال انجام است. نکاتی که اصغر کریمی به آن اشاره کرد و من بخوام به آن ادامه دهم در همین رابطه است. مردم انتخابی که دارند می کنند، حداقل در این ۲۰ سال که داریم می بینیم، انتخابشان نه رژیم چنج، نه رفتارندوم و نه حمله نظامی

بوده است. هیچ کدام از اینها نبوده، چیزی که مردم انتخاب کردند، دخالت مستقیم مردم از طریق خیابان و تغییر حکومت و سرنگون کردن بصورت فعالانه از طریق خودشان و ان هم با نقدی انسان محور و برابری خواهانه علیه حکومت است. این رویکرد گزینه ای است که متعلق به چپ جامعه است. این انتخابی است که با چپ جامعه همخوانی دارد. در همین دی ماه ۹۶ به این طرف را که نگاه بکنیم، پروسه ای که طی شد ما با دو اعتصاب عظیم که به نظر من تاریخی بودند و تأثیرات بسیار بلند مدت و ریشه ای در فضای سیاسی ایران گذاشتند، و اداره شورایی و اینکه جامعه باید شورایی اداره شود، اینها را مطرح کردند. مسئله حزبیت را آمدند مطرح کردند که همه اینها در دل این پروسه مطرح شد. مسئله کمونیسم مطرح شد. یک کمونیسم سیاسی که بخواهد جامعه را رهبری کند مطرح شد و همه اینها تأثیرات بسیار بنیادینی در جامعه میگذارد. در تظاهراتهای سراسری به بانک حمله شده، به فرمانداری ها، دفاتر امام جمعه و ارگان ها و به اصطلاح سمبل های سیاسی، مذهبی و ارگان هایی که این حکومت دارد، حمله شده است. همه اینها نشان می دهد که این جامعه چه رویکرد و نقد طبقاتی برگرفته از چپ و از کمونیسمی سیاسی - کارگری دارد. هیچ جریان راست پاسخی به این اوضاع ندارد. برای مثال وقتی شما می بینید در منشوری که در ده بند مجاهدین اعلام کرده، یک بند آن سازمان دهی بازار آزاد در ایران است، رضا پهلوی هم همینطور. و این معنی مشخص اش یعنی استثمار

بیشتر و برای استثمار بیشتر. اینها اگر بفرض محال به قدرت برسند برای بازار آزادشان باید مثل جمهوری اسلامی سرکوب بکنند، مذهب را باید نگه دارند، ارگانهای نظامی و امنیتی را باید نگه دارند و مردم دارند همین امروز با این چیزها دارند مبارزه می کنند. دارند به بانک حمله می کنند. من اصلاً بحثم این نیست که مردم آیا به صورت تئوریک و آکادمیک دارند این نقد طبقاتی و چپ خود علیه این وضعیت ضدانسانی موجود را توضیح می دهند. نه. وقتی به بانک حمله می کند، این را نماد سیستم و ساختار قدرتی می داند که بدبختش کرده است. یا سکوتی که رضا پهلوی در قبال کشته شدن قاسم سلیمانی کرده، ما اتفاقاً داریم می بینیم در اعتراضات همین هفته، شعارهایی مثل مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر، داده شد و یکی از دلایل این مسئله که وسیعاً دارد در جامعه، در خیابانها این شعار داده می شود بخاطر همین سکوتی است که رضا پهلوی انجام داده در رابطه با قاسم سلیمانی. بخاطر اینکه اینجا رضا پهلوی در کنار آن ارگان سرکوب که سپاه باشد قرار گرفته است و این پروسه در ادامه، اگر ما هم خوب کار بکنیم، در ادامه همان کارنامه سیاسی و عملی چند دهه ای که اشاره کردم، به آن پروسه ای خواهیم رسید که حزب کمونیست کارگری بتواند این جایگاه را داشته باشد و توسط مردم برای رهبری انتخاب شود.

کیوان جاوید: در دو عرصه میخوام نکاتی را روشن کنید در عرصه سیاسی و سازماندهی. در عرصه سیاسی ادامه در صفحه ۱۲

از صفحه ۱۱

نگاهی به نماز جمعه خامنه ای

تمرکز حزب کمونیست کارگری روی چیست برای مقابله با موانع سرنگونی؟

اصغر کریمی: اجازه دهید ابتدا به نکته ای اشاره کنم. بدلیل مواضع روشن و قاطع حزب علیه جمهوری اسلامی و سوابق روشن آن توجّهات سرعت دارد به حزب جلب میشود و با سرعت بیشتری دارند به حزب میپیوندند. که نمیتوان اطلاعات زیادی در این زمینه داد اما این بسیار امیدوار کننده و مهم است و البته غیر منتظره نیست. انتظار اینرا داشتیم. رضا

پهلوی میگوید سرنگونی کنترل شده یعنی انقلاب نه. یعنی حمله به مراکز حکومت و بانکها و موسسات سرکوب نه، قیام مسلحانه نه. و جامعه به اینها میگوید از اینها رد شده ایم شما هر فرمایشی دارید داشته باشید. ما در دی ۹۶ و آبان امسال از همه اینها رد شده ایم. به مراکز حکومتی حمله میکنیم علیه کل حکومت اسلام شعار میدهیم، ماشین سرکوبش را هم درهم میشکنیم و اسلحه هم بدست میگیریم تا به آزادی برسیم. جامعه با عملش میگوید تنها راه سرنگونی انقلاب است و جریانات دست راستی نه سلطنت طلب و به اصطلاح لیبرال و ملی مذهبی و غیره هیچکدام اینرا نمیخواهند. حزب کمونیست کارگری اولین مساله اش این است که درمقابل جمهوری اسلامی

مردم را نمایندگی کند. این محور و شالوده اصلی کاری است که ما داریم میکنیم. مردم جریانی میخواهند که کالیبرش را داشته باشد، قدرت متحد کردن مردم را داشته باشد، درایت سیاسی داشته باشد، نقطه عطف های مبارزه را تشخیص بدهد و اعتصابات و اعتراضات و خیزش و قیام مردم را نمایندگی کند. از قبل به فکر این مسائل باشد و راه حل مقابل پیش پای مردم بگذارد. مردم اینطور انتخاب میکنند و درعین حال حزب را که انتخاب کنند میدانند که دارند رفاه و آزادی و برابری و عدالت را انتخاب میکنند نه سرمایه داری و بازار آزاد و نابرابری و فقر سرکوب.

کیوان جاوید: یک جنبه تشکیلاتی و سازماندهی میدانی، شما نمی توانید بگویید چکار دارید می کنید؟ یعنی مثلاً می شود مهر حزب کمونیست کارگری را در این اعتراضات دید؟ یعنی اگر بگوییم حزب کمونیست کارگری در میدان دخیل هست، کسی می تواند بگوید شما غلو می کنید، آمارتان کو و گزارشتان کجاست؟ چطور مثلاً تا دانشگاه اعتصاب می کند، شما هم اطلاعیه میدهید و برنامه تلویزیونی درست می کنید. چرا باید بگویند حزب کمونیست کارگری دخیل هست در میدان؟

کیان آذر: بخاطر اینکه حزب کمونیست کارگری چتری باز کرده که یکسری مواضع و در عین حال مطالبات و خواسته هایی را مطرح کرده چندین و

چند سال و حول آن فعالیت هایی را سازمان داده که امروز، جامعه ایران آن گفتمان را گفتمان اصلی خودش کرده است. ما شاهد یک پروسه عملی هستیم که در اعتراضات دیده می شود و در شهرها دارد انجام می گیرد، در دانشگاهها انجام می گیرد. حالا منظور من دقیقاً این نیست که همه کسانی که داخل این اعتراض دارند شرکت می کنند کسانی هستند که همه عضو ما هستند. اصلاً چنین منظوری ندارم. همه شرکت کنندگان و معترضین عضو ما نیستند اما نکته ای که وجود دارد، همین عملکردی که من توضیح دادم به صورت سیاسی یا اصغر کریمی به آن اشاره کرد، فعالین، اعضا و کادر هایی هستند که خط سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران را قبول دارند و همین عملکرد را دارند در داخل شهرهای ایران، دانشگاههای ایران و در بخش های مختلف ایران پیش میبرند. مشخصاً جنبش های مبارزاتی که وجود دارند تمرکز کنیم، آن نقش را می شود دید. در پیشبرد اعتراضات، در جهت دادن به اعتراضات و این اعضا و کادرهایی که در شهرهای ایران هستند می توانند اعتراضات جاری را سازمان دهند. این بخشهایی هست که با توجه به شرایط می توانم توضیح دهم. نکته دیگر که در ادامه بوجود خواهد آمد هر چقدر جنبش سرنگونی پیشروی کند و جمهوری اسلامی را عقب براند و ما به آن سمت حرکت کنیم که فضا

علنی تر بشود، مسئله حزبیت، آن وقت مشخص تر و آشکارتر خواهد شد. ما در ماههای آینده با این پدیده روبرو خواهیم بود که اکتیویست ها و فعالین، تعلق حزیشان مشخص می شود. چون جنبش سرنگونی پیشروی خواهد کرد، توازن قوا را بیشتر از این چیزی که الآن هست تغییر خواهد داد. ما به یک فضای دوگانه ای میرسیم که قوای سرکوب جمهوری اسلامی بیشتر از این ناکارآمد می شود. در نتیجه آن فاکتور اساسی که حزبیت و رهبری سیاسی است، بصورت علنی می آید وسط و اکتیویست هایی که الآن تعلق حزبی دارند، آن موقع بصوت اعضا و کادرهای حزب علنیت پیدا خواهند کرد یا تعداد بیشتری از اکتیویست ها و فعالین، حزبی خواهند شد. بخاطر اینکه این پروسه دارد اتفاق می افتد. نقشی که الآن در حال حاضر، مثلاً افراد مشخصی که عضو ما هستند دارند ایفا می کنند، این روند جهت را نشان میدهد و این همخوانی را دارد با موقعیت و نقشی که حزب کمونیست کارگری ایفا کرده است.

کیوان جاوید: اصغر کریمی وقت کوتاهی هست اگر تأکید ویژه ای دارید بفرمایید. اصغر کریمی: سرعت تحولات سیاسی خیلی زیاد شده و آگاهی و تجربه سیاسی مردم با همین سرعت دارد بالا میرود و الان هزاران نفر هستند که میخواهند کاری بکنند، سازمانی داشته باشند، جمع هایی داشته باشند،

میان خودشان کارها را تقسیم کنند و نقشی ایفا کنند. در همین رابطه بود که گفتم خیلی ها دارند با حزب تماس میگیرند که همراه با حزب کاری بکنند، زنان زیادی یا جوانان و دانشجویان زیادی هستند که تماس میگیرند میگویند ده نفر پانزده نفر هستند و حزب را دنبال کرده اند و میخواهند کاری بکنند و یا در میان کارگران مراکز تولیدی یا معلمان نفوذ حزب دارد رشد میکند ما با این شرایط مواجه هستیم. فراخوان من به مردم و اکتیویست ها این است که نگاه کنند ببینند کدام حزب سیاسی بهتر آنها را نمایندگی میکند، کدام جریان واقعا برای آینده ای انسانی مبارزه میکند و کی بهتر مقابل جمهوری اسلامی ایستاده است آنرا انتخاب کنند. دوره ای است که مردم باید وسیعاً شروع کنند جمع هایشان را بسازند با حزب تماس بگیرند تا تجارب کار سازماندهی را در اختیارشان بگذاریم و یا آنها مشاهدات و تجارب و پیشنهادهایشان را با ما در میان بگذارند. این دوره را نباید از دست بدهیم جمهوری اسلامی هیچ آینده ای ندارد و هیچ راهی برای تخفیف بحران هایش ندارد. در چنین شرایطی مردم باید سریعاً انتخاب سیاسی شان را بکنند و آماده سرنگونی حکومت بشوند.

این متن بر اساس میزگردی در تلویزیون کانال جدید تهیه شده است.



میدان تحریر بغداد

بسوی سوسیالیسم: به نظر شما آیا اهداف انقلاب مردمی روشن است؟ چگونه؟ فکر میکنید چه شعارها و خواسته‌هایی مسیر انقلاب را تعیین میکند؟

سمیر نوری: بله - اهداف انقلاب کاملا واضح و روشن است و آن پایان دادن به روند سیاسی موجود و سهم خواهی قدرت‌های فرقه ای و احزاب اسلامی، انحلال پارلمان و کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی ایران از عراق تحت شعار (ایران بیرون برو، بغداد آزاد است) می باشد. اهداف انقلاب به شکل سلبی نفی همه ارکان نظام است. توده مردم، معیشتی آبرومند و جامعه ای امن و رفاه را خواستارند. جوانان میگویند ما کشور خود را می خواهیم و مردم به خوبی میدانند که تحقق این خواسته ها امری غیر ممکن نیست. ما با ادبیات خودمان و طرح شعار "آزادی، برابری و رفاه" از این خواسته ها دفاع کرده ایم. اکنون توده مردم این خواسته را به زبانی ساده، گویا و قابل فهم برای همگان در خیابان فریاد میزنند.

بسوی سوسیالیسم:

ادامه در صفحه ۱۴

مناصب شان وادار کرده است. در اولین گام راند فهمی و هیفاء الامین از عضویت در پارلمان استعفا کرده و این هفته هم ایاد علوی و برخی دیگر از رهبران حزب الدعوه از سمت های خود کناره گیری نمودند. اکنون دیگر بدون توجه به آنچه که در میدان التحریر و دیگر عرصه های مبارزه در جریان است؛ تشکیل دولت امری غیر ممکن شده است. به گونه ای که شخصیت های دولت و علی الخصوص برهم صالح اعلام داشته اند که انقلاب مردمی کنترل امور را در دست دارد. هیئت حاکمه در میان اختلافات شدید دست و پا میزند و روز به روز در حال از هم پاشیدن بوده و به اصطلاح در یک تونل تاریک گرفتار شده است. اکنون انقلاب به مرحله ای رسیده است که باید به قدرت در منطقه الخضرء (منطقه سبز محل استقرار نهادهای دولتی) و اشغال آن پایان دهد. میدان التحریر به نمادی قدرتمند در مقابل قدرت حکومت در منطقه سبز بدل گشته است. ما در مرحله صعودی انقلاب قرار داریم و لازم است دشمن را ساقط نماییم.

سیاسی یعنی جمهوری اسلامی تفاوتی قائل نیستند. نه فقط در عراق بلکه در لبنان و خود ایران هم همین گونه است به همین دلیل این انقلاب گسترده تر و فراتر از عراق میباشد اما در حال حاضر در عراق به جهت رادیکال بودن و استحکام آن، نقش اساسی تر و قوی تری دارد.

بسوی سوسیالیسم: آتش انقلاب در عراق شعله ورتز شده است. جمعه گذشته تظاهرات میلیونی را شاهد بودیم، میداین شهرهای جنوبی صحنه اعتراضات خشمگینانه و پر التهابی بود. ارزیابی شما از مسیر انقلاب در سایه تنش و درگیری جناح های قدرت چیست؟

سمیر نوری: انقلاب مراحل سرنوشت ساز خود را پشت سر گذاشته و اکنون به نقطه تعیین کننده خود رسیده است و توانسته حکومت را در یک بن بست غیر قابل پیش بینی قرار دهد. عادل عبدالمهدی و دولت را مجبور به استعفا کرده. برهم صالح نیز استعفای خود را روی میز پارلمان گذاشته و دیگر شخصیت های سیاسی بدنام را به انتخاب بین خیانت به مردم یا کناره گیری از



در باره اوضاع سیاسی عراق و وقایع پس از قتل قاسم سلیمانی

گفتگوی بسوی سوسیالیسم با سمیر نوری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

دو قطب تروریستی (ایران و آمریکا) را نشان دادند. موضع مردم در قبال قدرت گروههای شبه نظامی تابع جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی میکنید؟

سمیر نوری: مردم هرگز حمله به سفارت آمریکا را تأیید نکردند و شعار (نه به آمریکا) را سر ندادند چرا که به خوبی میدانند این شعار و شعار شیطان بزرگ متعلق به خمینی، خامنه ای، جمهوری اسلامی و گروههای اسلامی وابسته به آنهاست. این انقلاب یک انقلاب مردمی ضد اسلام سیاسی و حکومت فرقه گرا و قوم گرا برای پایان دادن به قدرت احزاب اسلامی است.

هر تلاشی برای خارج ساختن مردم از مسیر انقلابی خود قطعا باعث آسیب به انقلاب خواهد شد. جنبش های ملی - اسلامی، ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی حرکت های ارتجاعی هستند و شعار نه به آمریکا متعلق به جریانات مرتجع موجود در جامعه هستند. سیاست دولت آمریکا قابل دفاع نیست اما هر تلاشی برای کشاندن جامعه پشت این شعارها، خدمتی مستقیم به گروههای ارتجاعی اسلامی است که میخواهند خود را از انقلاب نجات دهند. انقلاب اکتبر یک انقلاب ضد اسلام سیاسی و جریانات اسلامی، جمهوری اسلامی و حکومت قومی و فرقه گراست.

توده مردم بین احزاب اسلامی و شبه نظامیان وابسته به آنها و بین سر این ازدهای اسلام

بسوی سوسیالیسم: پس از کشته شدن سلیمانی بدست نیروهای آمریکایی، رویدادهایی به سرعت اتفاق افتاد که در نهایت به سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط جمهوری اسلامی منتهی شد. شما اوضاع را چگونه ارزیابی میکنید؟

سمیر نوری: سیر تحولات به حدی سریع بود که گاهی اوقات پیگیری و ارزیابی آنها مشکل میشود. موضوع کشته شدن قاسم سلیمانی خصوصا پس از حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی عین الاسد موضوعی تقریبا پایان یافته است. جمهوری اسلامی و گروههای اسلامی تلاش کردند تا از موضوع کشته شدن سلیمانی و مهدی مهندس بهره برداری کرده و انقلاب مردم عراق را پشت سر خود بیاورند. اما توده مردم با قدرت مقابل آنها قرار گرفته و حاضر به حمایت از آنها نشده و حتی از تشییع جنازه نمادین آنها در شهرها جلوگیری نمودند. انقلابیون با همت خود همه تلاشهای احزاب برای به زیر سایه بردن انقلاب را پایان دادند.

بسوی سوسیالیسم: توده مردم به سرعت موضع جدا و مستقل خود از نفوذ و اقدامات

از صفحه ۱۳

در باره اوضاع سیاسی عراق و وقایع پس از قتل قاسم سلیمانی

مقتدی صدر رهبر جریان اسلامی شیعی جانب ایران را گرفته و با طرح شعار (نه به آمریکا) قصد نابودی انقلاب ملیونی مردم را دارد. آیا این شعار عوامفریبانه قادر است در شرایط فعلی کاری را انجام دهد که در زمان اشغال عراق توسط آمریکا صورت گرفت؟

سمیر نوری: مقتدی صدر در مقابل خیابانهای مملو از معترضان دیگر قدرتی ندارد. در سال ۲۰۱۵ او توانست اوضاع را آرام کند و همان بازی را کرد که اصلاح طلبان در ایران موفق به انجامش شدند اما اکنون عموم مردم آگاه این جریانات قومی - اسلامی را نادیده میگیرند. در ایران مردم می گویند اصلاح طلب ها و اصول گراها دیگر به پایان خود رسیده اند. در عراق هم توده مردم به جای پیوستن به گروه "سائرون" به جمع آزادیخواهان می پیوندند. اما آنها (جریانات

اسلامی) با اتکا به جایگاه قدرت خود بدنبال نفوذ در بین توده ها هستند که البته به عقیده من این مسئله منتفی است. نه مقتدی صدر و نه جریان وابسته به او دیگر قادر به ایفای نقش در بین مردم نیستند. چندی قبل هنگامی که مقتدی از ایران بازگشته بود در تظاهرات های کربلا با شعار خشمگینانه مردم که می گفتند (نه مقتدی، نه هادی، کشور ما باید آزاد شود) مواجه شد. به نظر من نقشه های مقتدی صدر با تظاهرات میلیونی انقلابیون خنثی شد. از روز یکشنبه موانع پیش روی مقتدی صدر برای ایفای نقشش افزایش یافته است هرگونه تلاش از سوی او نتیجه ای جز شکست و شرمندگی برایش نخواهد داشت و انقلاب همه اقدامات او را خنثی نموده است. دنیا میدانند که شعار نه به آمریکا شعاری متعلق به خامنه ای است. این انقلاب تسلیم دشمنان خود و عاملان بدبختی و فلاکت مردم نخواهد شد. هیچ کس جز اسلامگراها و گروههای هم پیمان با اسلام سیاسی این شعار را سر نمیدهد. با این

شعار میخواهند اخراج جمهوری اسلامی از عراق را منتفی کنند. مردم هیچ گروه مرتجعی را نمیخواهند.

بسوی سوسیالیسم: در بیانیه حزب شعار "رهایی از حکومت" طرح شده است توضیح میدهید که چگونه میشود از حکومت و قدرت آن آزاد شد؟ معنی سیاسی این شعار چیست و مردم چگونه میتوانند از آن بهره ببرند؟

سمیر نوری: رهایی از قید حکومت یک معمای پیچیده و ساخته کسی نیست بلکه به یک واقعیت سیاسی در عراق تبدیل شده است. اکنون هیچ شخصی نمی تواند در عراق حکومت کند جز آن که به تأیید جنبش التحریر برسد. هیچ فردی وابسته به ایران، آمریکا و یا گروههای قومی و قبیله ای امکان دستیابی به تأیید از سوی انقلابیون را نخواهد داشت. در حال حاضر بغداد در حالت قدرت دوگانه بسر میبرد. از یک سو منطقه سبز و از سوی دیگر میدان التحریر در مقابل آن. ما به میدان التحریر به عنوان نماد انقلاب اکتبر اشاره میکنیم. التحریر نشان و مدلی از قدرت

و مدیریت جمعی، انسانیت، تمدن و پیشرفت است که به زنان فرصت برابر برای حضور در جامعه میدهد و به زندگی و آرزوهای جوانان معنا بخشیده است.

اکنون التحریر باید خود را در سراسر کشور به عنوان یک قدرت سیاسی توده ای، سازماندهی نماید. انقلاب نیازمند فرستادن نماینده به پارلمان و رئیس جمهوری برای تشکیل دولت نیست بلکه لازم است برای ایجاد یک نهاد قانون گذاری و اجرایی در چارچوب کمیته های انقلاب یا شورایی منتخب از طرف انقلابیون میدان التحریر و تشکیل دولت زیر نظر شورای تظاهرکنندگان انقلابی اقدام نماید.

اکنون در التحریر و در ناصریه فراخوان تشکیل مجلس انقلابی صادر شده است. این فراخوان گام بزرگی است و افق های گسترده ای را در مقابل انقلاب باز می کند.

بسوی سوسیالیسم: آیا سخن پایانی برای توده مردم حاضر در صحنه مبارزه برای آزادی در سراسر عراق دارید؟ اگر یک مسئله نگران کننده

ای وجود داشته باشد به نظر شما آن نگرانی چیست؟ سمیر نوری: مهم ترین مسئله در التحریر و برای مردم انقلابی؛ سرنگونی رژیم و تأسیس یک دولت مدنی و سکولار است. این روند از طریق تشکیل دولت موقت توسط پارلمان عراق و رئیس جمهوری و اعلام انتخابات زود هنگام میسر نیست و عقب نشینی از مطالبات و خواسته های عمومی و انقلابی مردم خواهد بود. همانگونه که قبلا اشاره شد لازم است که انقلابیون در میدان التحریر، در حوبی، در انقلاب بیستم، در میدان آزادگان و همه عرصه های مبارزه، خود را همانند یک دولت انقلابی سازماندهی نمایند. همه احزاب اسلامی باید از قدرت کناره گیری کرده، شبه نظامیان خلع سلاح و جمهوری اسلامی ایران اخراج شود. بدون این اقدامات انقلاب در نیمه راه متوقف خواهد شد. ما میخواهیم انقلاب را حفظ کرده و توسعه ببخشیم و به اهداف نهایی آن یعنی آزادی، برابری، زندگی و رفاه و معیشت آبرومندانه دست یابیم.*

از صفحه ۷

کنفرانس داووس!

دهیم گرتا در جواب می نویسد: سپاسگزارم از اینکه کمپین جمعه ها برای آینده مورد توجه شما قرار گرفته، قدرتمندان و رهبران جهان دهه ها است که با خطر نابود کننده تغییرات آب و هوایی و آلودگی محیط زیست آگاهی دارند و تا کنون کوچکترین قدمی برای جلوگیری از آن

بعمل نیاورده اند این ما مردم نیستیم که باید برای جلوگیری از آلودگی بکوشیم بلکه آن قدرتمندانی هستند که در اجلاس شما راجع به آینده زیبا و دلفریب و راجی و عوام فریبی می کنند شما و این رهبران باید مسئولیت این فجایع را بعهده گرفته و برای جبران آن مسئولیت بپذیرید. پیشرفت های باورنکردنی دانش و تکنولوژی در همین دهه دوم قرن اخیر چنان

امکانات وسیعی را برای بشر مهیا کرده است که پیش بینی های ده ساله در کمتر از چهار سال متحقق می شود در حقیقت امر، تکنولوژی امروز برای حل کلیه مسائل ومشکلات امروز جواب دارد. مشکل عصر ما نبود امکانات و تکنولوژی برای استفاده بهینه از امکانات طبیعی و ایجاد ساختن دنیایی آباد و آزاد نیست. مشکل وجود سیستمی خون آشام، بی رحم

دزد و غارتگر است که برای کسب سود بیشتر بر سر هر مسئله ای مانع تراشی کرده تا کسب سودش خدشه دار نگردد سیستم سرمایه داری و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید آن مانع اساسی بر سر ترقی و رفاه جامعه انسانی است و تا از بین بردن این مانع نه تنها مشکلات عدیده بشر لاینحل مانده بلکه نفس وجود حیات در زمین نیز به مخاطره جدی خواهد افتاد.

این آن مسئله اساسی است که در کنفرانس داووس و دیگر نشست های جهانی از این دست عامدانه مسکوت می ماند. شصت سال پیش آلبرت انشتین در یکی از گفته های مشهورش گفته بود یا سوسیالیسم یا بربریت، امروز با تاکید صدار بیشتر بر این گفته، باید اضافه کرد یا سوسیالیسم یا نابودی حیات بر روی زمین، راه دیگری مشهود و متصور نیست.*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ملاقات مینا احدی با عضو کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان

احدی همچنین در مورد خواستها و امیال مردم و چشم‌انداز سیاسی آینده کشور توضیح داد و پیام مردم ایران را مبنی بر اینکه



سیاست آلمان در قبال ایران باید تغییر کند و حکومت اسلامی باید برود به اطلاع سیاست‌گزاران آلمانی رساند.

موضوع دیگری که در این ملاقات به تفصیل مورد بحث قرار گرفت حکم اعدام هوشمند علیپور (فعال

سیاسی اهل کردستان) بود. پیشتر وزارت امور خارجه

اتریش اطلاع داده بود که برای ابطال این حکم اقدام خواهد کرد و اتحادیه اروپا را

نیز در جریان قرار داده است. آقای هاینریش نیز قول داد

که این موضوع را فوراً از طریق کمیسیون حقوق بشر

پارلمان به اطلاع وزارت امور خارجه آلمان میرساند تا از مقامات ایران خواستار لغو

این حکم شود. انتظار می‌رود که اتحادیه اروپا نیز در این

مورد عکس‌العمل نشان دهد. شایان ذکر است که حمایت‌های گسترده مادی و

معنوی دول غربی از حکومت اسلامی در طی چهل سال

گذشته از عوامل مهم بقای این حکومت در ایران بوده

است. تلاش برای متوقف کردن این حمایت‌ها تا حد قطع روابط دیپلماتیک این

دولتها با حکومت اسلامی بدون تردید موجب تقویت مبارزات مردم ایران و تسریع روند سرنگونی رژیم خواهد شد.*

در حالی که مردم ایران در خیابانها خواستار سرنگونی حکومت اسلامی هستند و به منظور تسریع سرنگونی این حکومت، مینا

احدی روز شانزدهم ژانویه ۲۰۲۰ (۲۶ دی ماه) با آقای فرانک هاینریش (عضو

کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان) دیدار کرد.

هدف از این دیدار تشویق نمایندگان پارلمان برای فشار آوردن به دولت آلمان بود تا

از مامشات با حکومت اسلامی دست بردارد و به جای آن از مبارزات مردم

ایران حمایت کند. این ملاقات در شرایطی صورت

می‌گرفت که مبارزات مردم ایران طی بیست سال اخیر

سیاست دولت آلمان در قبال ایران را کاملاً سست کرده و

اکنون در محافل حکومتی آن دیدگاه‌های متفاوتی پیدا شده است.

در این دیدار درباره مسائل مختلف سیاسی روز

ایران، از جمله کشتار معترضان و زندانیان سیاسی و ساقط کردن هواپیمای

مسافربری، گفتگو شد. مینا احدی در جریان ملاقات با

آقای فرانک هاینریش کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان را به طور دقیق و کامل در جریان مبارزات مردم و آخرین تحولات ایران قرار داد. مینا

کنفرانس مطبوعاتی در برلین با شرکت مینا احدی

دهها فعال سرشناس جنبش زن در آلمان با امضای نامه سرگشاده‌ای خطاب به دولت آلمان

خواستار آن شده‌اند که دولت آلمان سیاست‌اش را در قبال حکومت اسلامی ایران تغییر

دهد. در پی انتشار این نامه سرگشاده، که در وسایط

Emma با میلیونها طرفدار نیز بازتاب یافت، روز 16 ژانویه 2020 (26 دی)

کنفرانس مطبوعاتی‌ای در برلین با حضور چهار تن از فعالان زن آلمانی و مینا احدی برگزار شد. در این

کنفرانس مطبوعاتی که مخبران رسانه‌های معتبر آلمانی نیز حضور داشتند

مینا احدی آخرین تحولات اجتماعی ایران را برای حضار شرح داد و چهار شرکت‌کننده

دیگر نیز درباره خواست

اطلاعیه خبری

اعتصاب و راهپیمایی بیش از دو هزار نفر از کارگران پتروشیمی بندر خمینی

امروز اول بهمن ماه بیش از دو هزار نفر از کارگران و کارکنان پتروشیمی بندر خمینی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و دیگر

دریافتی هایشان دست به تجمع و اعتصاب زدند. بنا بر

خبرها تولید این پتروشیمی کاهش چشمگیری پیدا کرده

و کارگران نگران از دست دادن کارشان هستند.

مقامات نیز با وعده‌های دروغین تلاش دارند اوضاع را آرام کنند. کارگران با اعلام

اینکه اعتصاب تنها پاسخ است، در این روز دست از کار

کشیدند و بعد از برپایی تجمعی با راهپیمایی در شرکت و با فریاد خواستهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند.

نپرداختن دستمزدهای کارگران که عموماً زیر خط

فقر است در جمهوری اسلامی به یک سنت تبدیل شده و کارفرمایان دولتی و

خصوصی ماهها و بعضاً یکی دو سال طلبها و دستمزد

کارگران را نمی‌پردازند. این یک جنایت آشکار در حق

کارگران است و جمهوری اسلامی هم خود در این

چپاول نقش مستقیم دارد و هم از دزدان حمایت میکند.

بهبانه آنها بحران اقتصادی و فلج تولید و امثال اینهاست.

اما مقصر این وضعیت کارگران نیستند. کارگران حق دارند در اعتراض به این

چپاول و جنایتکاری آشکار کارفرمایان مفتخور دست به اعتراض و اعتصاب بزنند و متحدانه حقوق خود را از حلقوم آنها بالا بکشند. بویژه در شرایطی که جامعه چنین در تلاطم و مبارزه است،

دست برداشتن دولت آلمان از حمایت حکومت ستمگر اسلامی صحبت کردند.

این کنفرانس با استقبال گرمی روبرو شد و در رسانه‌ها

بازتاب گسترده‌ای داشت. از جمله دویچه وله رپرتاژ مفصلی از این کنفرانس با

عنوان «دولت آلمان بایستی از مخالفان ایرانی پشتیبانی کند» منتشر کرد که در آن از

قول فعالان جنبش زن به سیاستهای آلمان در قبال ایران حمله شده بود.*

اعتصباتی این چنینی جایگاه مهمی دارد و میتواند راه را برای بخش‌های مختلف

کارگری جهت رفتن بسوی اعتصابات سراسری هموار

کند. از اعتصاب کارگران پتروشیمی وسیعاً حمایت کنید.

پیش بسوی اعتصابات

پیش بسوی شوراها

سراسری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱ بهمن ۹۸،

۲۱ ژانویه ۲۰۲۰

شوراهای سازماندهی اعتراضات رادر همه جا ایجاد کنیم

اطلاعیه خبری

۲۹ دی: چند خبر از اعتراضات کارگری

- روز ۱ بهمن رانندگان منطقه ویژه ماهشهر در اعتراض به دستمزد پایین و هزینه های بالای زندگی و نوع قراردادهای برده وار کاری برای چندمین بار دست به تجمع زدند.

- روز ۱ بهمن کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن منطقه قم (شرکت فلق) در اعتراض به اخراجها و قراردادهای موقت کاری و تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست به تجمع زدند. این کارگران طی نامه ای موارد مورد اعتراض خود را به قرار زیر اعلام داشتند: اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوقها و خواست افزایش فوری دستمزدها، اعتراض به کاهش سطح پرداختی ها که بر اساس صرفا دو نفر عائله است، اعتراض به عدم پرداخت حق سختی کار و کسری مبلغ ۱۳۰ هزار تومان بابت بیمه تکمیلی و اعتراض به اخراجها.

- کارگران راه آهن در استانهای مختلف از جمله کارگران راه آهن زاگرس، لرستان، اسلامشهر تهران، رباط کریم، شاهرود، اندیمشک و کل کارگران منطقه خراسان (شرکت تراورس) و کارگران راه آهن جنوب شرق زاهدان (شرکت ریل صنعت کاران) بخشی از دستمزدهایشان را طلب دارند و زمزمه اعتراض در میان این کارگران بالاست.

بعلاوه شرکت های تراورس و ریل صنعت کاران از تحویل دستکش، لباس، پوتین و بادگیر کار به کارگران خودداری می کند. اعتصاب سراسری یک گام عملی در مقابل کارگران راه آهن است و این کارگران در این زمینه تجربیات ارزنده ای دارند.

- بازنشستگان در تدارک تجمعی دیگر

روز ۲۸ دیماه بازنشستگان اعلام کردند که اگر تا ۱۲ شب حقوق آنها واریز نشود، ساعت ده صبح روز ۲۹ دی در مقابل سازمان بازنشستگی دست به تجمع خواهند زد. اما بدلیل سرمای شدید در تهران این تجمع برگزار نشد. بازنشستگان در تدارک برگزاری این تجمع هستند. بازنشستگان بارها با تجمعاتشان اعتراض خود را علیه فقر، گرانی، تبعیض و نابرابری برپا کرده اند. خواسته های بازنشستگان عبارتند از: افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۸ میلیون، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته از صندوق بازنشستگی، آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی.

**پیش بسوی اعتصابات
پیش بسوی
شوراها سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱ بهمن ۹۸،
۲۱ ژانویه ۲۰۲۰**

اطلاعیه خبری
دومین روز اعتصاب
کارگران پتروشیمی
بندر خمینی و
فراخوان
بازنشستگان به
تجمع

- امروز دوم بهمن ماه بیش از دو هزار نفر از کارگران و کارکنان پتروشیمی بندر خمینی برای دومین روز دست از کار کشیده و به اعتصاب خود ادامه دادند. اعتصاب کارگران این مجتمع در اعتراض به وعده های کاذب مسئولان، فساد مدیریت و عدم پرداخت دستمزدها و پاداش ها شروع شد. به گفته کارگران بخاطر دزدی های پشت پرده تولید این کارخانه کاهش چشمگیری پیدا کرده و خطر بیکارسازی آنها را تهدید میکند. روز گذشته زیر فشار اعتصاب کارگران مسئولان

پتروشیمی وعده های زیادی به کارگران دادند اما کارگران اعتمادی به این وعده ها ندارند. بویژه بدنال اعتصاب آنان یکی از کارگران معترض در شرکت کیمیا در این پتروشیمی اخراج شده است. این موضوع بر خشم کارگران شدت داد و در روز دوم بهمن در ابعاد گسترده تر کارگران وارد اعتصاب شدند.

- بازنشستگان برای ساعت ده صبح روز هفتم بهمن ماه به تجمع در مقابل مجلس اسلامی فراخوان به تجمع داده اند. در رابطه این موضوع بازنشستگان در روز ۲۸ دیماه اعلام کرده بودند که اگر تا ۱۲ شب آن تاریخ حقوق آنها واریز نشود، ساعت ده صبح روز ۲۹ دی در مقابل سازمان بازنشستگی دست به تجمع خواهند زد. اما بدلیل سرمای شدید این تجمع صورت نگرفت. بازنشستگان بارها با تجمعاتشان اعتراض خود را علیه فقر، گرانی، تبعیض و

نابرابری برپا کرده اند. خواسته های بازنشستگان عبارتند از: افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۸ میلیونی، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته از صندوق بازنشستگی، آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی.

حزب کمونیست کارگری از اعتراضات و خواسته های بازنشستگان و همچنین کارگران پتروشیمی حمایت میکند و همگان را به پشتیبانی از آنها فرا میخواند.

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری**

**پیش بسوی
تشکیل شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲ بهمن ۹۸،
۲۲ ژانویه ۲۰۲۰**

سوسیالیسم راه نجات ما است!

جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

**مرگ بر سرمایه داری و
دولت دزد سرمایه داران!**

**زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب
کمونیست کارگری!**

جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی

بیش از چهل سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیارد شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به

**به حزب کمونیست
کارگری ایران بپیوندید!**